بسم الله الرحمن الرحیم

اعمال ماه ذی الحجه

تهیه کننده (محمدعلی شرطان)

اعمال این ماه بر دو قسم است.

اوّل اعمالی كه مشترك است میان دهه اوّل. دوم اعمالی كه مختصّ به ایّام خاصّی است.

فهرست

اعمال مشترك دهه اوّل

1ـ امام صادق(عليه السلام) مى فرمايد: پدرم حضرت امام باقر(عليه السلام) به من فرمود: پسرم! در دهه نخست از ماه ذى الحجّه، هر شب ميان نماز مغرب و عشا اين دو ركعت نماز را ترك مكن:

در هر ركعت سوره حمد و سوره قل هو الله را مى خوانى، پس از آن اين آيه (آيه 142 سوره اعراف) را مى خوانى:

وَ واعَدْنا مُوسى ثَلاثينَ لَيْلَةً، وَ أَتْمَمْناها بِعَشْر، فَتَمَّ ميقاتُ رَبِّهِ

و ما با موسى سى شب وعده گذاشتيم سپس آن را با ده شب ديگر تكميل نموديم به اين ترتيب ميعاد پروردگارش (با او)

أَرْبَعينَ لَيْلَةً، وَ قالَ مُوسى لاَخيهِ هارُونَ اخْلُفْنى فى قَوْمى، وَ أَصْلِحْ

چهل شب تمام شد و موسى به برادرش هارون گفت: جانشين من در ميان قوم باش و (آنها را) اصلاح كن

وَلا تَتَّبِعْ سَبيلَ الْمُفْسِدينَ.

و از روش مفسدان پيروى منما.

اگر چنين كنى، در ثواب حاجيان، و اعمال حجّ آنها شريك مى شوى.(1)

2ـ روزه گرفتن در نُه روز اوّل. در روايتى از امام موسى كاظم(عليه السلام) نقل شده است كه هر كس نُه روز اوّل ذى الحجّه را روزه بدارد، خداوند ثواب روزه تمام عمر را براى او مى نويسد.(2)

3ـ ابوحمزه ثمالى از امام صادق(عليه السلام) نقل كرده است كه آن حضرت، از روز اوّل تا عصر روز عرفه، پس از نماز صبح و قبل از نماز مغرب اين دعا را مى خواند:

اَللّـهُمَّ هذِهِ الاَيّامُ الَّتى فَضَّلْتَها عَلَى الاَيّامِ وَشَرَّفْتَها، وَ قَدْ بَلَّغْتَنيها بِمَنِّكَ

خدايا اين روزهايى است كه برترى و شرافتش دادى بر ساير روزها و به لطف و

وَرَحْمَتِكَ، فَاَنْزِلْ عَلَيْنا مِنْ بَرَكاتِكَ، وَاَوْسِعْ عَلَيْنا فيها مِنْ نَعْمآئِكَ،

رحمتت مرا بدانها رساندى پس بركات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهاى خود در اين روزها بر ما وسعت ده

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَهْدِیَنا فیها

خدایا من از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و نیز خواهم که ما را دراین روزها به

لِسَبیلِ الْهُدى، وَالْعَفافِ وَالْغِنى، وَالْعَمَلِ فیها بِما تُحِبُّ وَتَرْضى، اَللّهُمَّ

راه هدایت و پاکدامنی و بی نیازی راهنمایی فرمایی و موفقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خشنودی تواست خدایا

اِنّى اَسْئَلُكَ یا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوى، وَیا سامِعَ كُلِّ نَجْوى، وَیا شاهِدَ كُلِّ

از تو خواهم ای جایگاه هر شکایت و ای شنوای هر سخن سِرّی و راز و ای حاضر در هر

مَلاَ، وَیا عالِمَ كُلِّ خَفِیَّة، اَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَ اَنْ تَكْشِفَ

جمع و ای دانای هر نهان که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و بگشایی

عَنّا فیهَا الْبَلاءَ، وَ تَسْتَجیبَ لَنا فیهَا الدُّعاءَ، وَ تُقَوِّیَنا فیها وَ تُعینَنا،

در این روزها از ما بلا و گرفتاری را و مستجاب گردانی در آنها دعای ما را و نیرو دهی به ما در این روزها و کمکمان دهی

وَتُوَفِّقَنا فیها لِما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضى، وَعَلى مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ

و موفقمان داری پروردگارا بدانچه دوست داری و خشنود گردی و بر آنچه واجب کرده ای بر ما از اطاعت خودت

طاعَتِكَ، وَطاعَةِ رَسُولِكَ وَاَهْلِ وِلایَتِكَ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ یا اَرْحَمَ

و اطاعت پیامبرت و اهل ولایتت خدایا از تو خواهم ای مهربانترین

الرّاحِمینَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَهَبَ لَنا فیهَا الرِّضا،

مهربانان که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و در این ایام خشنودی خویش را به من ببخش

اِنَّكَ سَمیعُ الدُّعاءِ، وَلا تَحْرِمْنا خَیْرَ ما تُنْزِلُ فیها مِنَ السَّماءِ، وَطَهِّرْنا

که براستی تو شنوای دعایی و محروم مکن ما را از خیری که در این روزها از آسمان فرو باری و پاکمان کن

مِنَ الذُّنُوبِ یا عَلاّمَ الْغُیُوبِ، وَاَوْجِبْ لَنا فیها دارَ الْخُلُودِ، اَللّهُمَّ صَلِّ

از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان در این ایّام برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست

عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَلا تَتْرُكْ لَنا فیها ذَنْباً اِلاَّ غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً اِلاَّ

بر محمّد و آل محمّد و هیچ گناهی برای ما باقی مگذار جز آن که بیامرزی و نه اندوهی جز

فَرَّجْتَهُ، وَلا دَیْناً اِلاَّ قَضَیْتَهُ، وَلا غائِباً اِلاَّ اَدَّیْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ

آن که بگشایی و نه بِدهی جز آن که بپردازی و نه غایبی جز آن که به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات

الدُّنْیا وَالاْخِرَةِ اِلاَّ سَهَّلْتَها وَیَسَّرْتَها، اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْء قَدیرٌ، اَللّهُمَّ یا

دنیا و آخرت جز آن که آسان و هموارش گردانی که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا ای

عالِمَ الْخَفِیّاتِ، یا راحِمَ الْعَبَراتِ، یا مُجیبَ الدَّعَواتِ، یا رَبَّ الاْ َرَضینَ

دانای اسرار پنهان ای رحم کننده بر اشك دیدگان ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها

وَالسَّمواتِ، یا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَیْهِ الاَصْواتُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ

و آسمانها ای که صداها(ی بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّد، وَاجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقآئِكَ وَطُلَقآئِكَ مِنَ النّارِ، وَالْفائِزینَ بِجَنَّتِكَ،

محمّد و قرار ده ما را در این روزها ازآزادشدگان و رهایی یافتگان از آتش و نائل شوندگان به بهشتت

وَالنّاجینَ بِرَحْمَتِكَ، یااَرْحَمَ الرّاحِمینَ، وَصَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّد

و نجات یافتگان بوسیله رحمتت ای مهربانترین مهربانان و درود خدا بر آقای ما محمّد و

وَآلِهِ اَجْمَعینَ، وَسَلَّمَ عَلَیْهِمْ تَسْلیماً.(3)

آلش همگی و سلام بر همه آنان باد.

4ـ آن پنج دعايي را بخواند كه به فرموده امام باقر(عليه السلام) خداوند آن را بوسيله جبرئيل براى حضرت عيسى(عليه السلام) هديه فرستاد، تا در ايّام اين دهه، آنها را بخواند. آن پنج دعا چنين است:

(1) اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىْء قَديرٌ.

(1) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريك ندارد از آن اوست فرمانروايى و خاص اوست ستايش هر چه خير است بدست اوست و او بر هر چيز تواناست

(2) اَشْهَدُ اَنْ لا اِلـهَ اِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، اَحَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

(2) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريك ندارد يگانه بى نيازى كه همسر و فرزندى براى خود نگيرد

(3) اَشْهَدُ اَنْ لا اِلـهَ اِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، اَحَداً صَمَداً، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ.

(3) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريك ندارد يگانه بى نيازى كه نزايد و نه زاييده شده و برايش همتايى هيچ كس نيست

(4) اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيى وَيُميتُ، وَهُوَ حَىٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىْء قَديرٌ.

(4) گواهى دهم كه معبودى جز خداى يگانه نيست كه شريكى ندارد از آن اوست فرمانروايى و خاص اوست ستايش زنده كند و بميراند و اوست زنده اى كه نميرد خير بدست اوست و او بر هر چيز تواناست

(5) حَسْبِىَ اللّهُ وَكَفى، سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ وَرآءَ اللّهِ مُنْتَهى،اَشْهَدُللّهِ بِما دَعا،وَاَنَّهُ بَرىءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَاَنَّ لِلّهِ الاْخِرَةَ وَالاُْولى

(5) بس است مرا خدا و كافى است بشنود خدا صداى هر كس كه دعا كند وراى خدا انتهايى نيست گواهى دهم براى خدا بدانچه خوانده است و اين كه بيزار است از هر كه از او بيزارى جسته و براى خداست آخرت و دنيا.

سپس حضرت عیسی(علیه السلام) پاداش فراوانی را برای صد مرتبه خواندنِ این پنج دعا ذکر فرمود.(5)
مرحوم «علاّمه مجلسی» گفته است: اگر کسی هر روز هر یك از این پنج دعا را ده مرتبه بخواند (که در مدّت ده روز هر کدام را صد مرتبه خوانده است) به روایت عمل کرده است. البتّه اگر هر روز هر دعایی را صد مرتبه بخواند بهتر است.(6)

5ـ در هر روز از این دهه، این تهلیلات [لا اله إلاّ اللّه ها] را که از امیر مؤمنان(علیه السلام) نقل شده است بخواند و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ اللَّیالی وَالدُّهُورِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ اَمْواجِ الْبُحُورِ، لا

معبودی جز خدا نیست به شماره شبها و روزگاران معبودی جز خدا نیست به شماره موجهای دریاها

اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمّا یَجْمَعُونَ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ الشَّوْكِ

معبودی جز خدا نیست و رحمت او بهتر است از آنچه مردم جمع کنند معبودی جز خدا نیست به شماره هر خار و

وَالشَّجَرِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ

هر درخت معبودی جز خدا نیست به شماره هر مُو و کُرك معبودی جز خدا نیست به شماره هر سنگ

وَالْمَدَرِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ فِی اللَّیْلِ اِذا

و کلوخ معبودی جز خدا نیست به شماره بهم خوردن چشمها معبودی جز خدا نیست در شب چون

عَسْعَسَ، وَالصُّبْحِ اِذا تَنَفَّسَ، لا اِلـهَ اِلاَّ اللّهُ عَدَدَ الرِّیاحِ فِی الْبَراری

تاریك شود و در صبح چون بدمد معبودی نیست جز خدا به شماره بادها در صحراها

وَالصُّخُورِ، لا اِلـهَ اِلاَّ اللّهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ.(7)

و کوهها معبودی جز خدا نیست از امروز تا روز نفخ صور.

روز اوّل ماه

روز اوّل ماه ذی الحجّه روز مبارکی است و برای آن اعمالی چند نقل شده است:

1ـ روزه گرفتن. در روایتی از امام موسی بن جعفر(علیهما السلام) نقل شده است که هر کس روز اوّل ماه ذی الحجّه را روزه بگیرد، خداوند برای وی پاداش عظیمی را می نویسد.(1)

2ـ خواندن نماز حضرت فاطمه(علیها السلام). مرحوم «شیخ طوسی» فرموده است: مستحب است در این روز، نماز حضرت فاطمه(علیها السلام) را بخواند و این نماز چهار رکعت است (هر دو رکعت به یك سلام) و همانند نماز حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) است; در هر رکعت، یك مرتبه سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره قل هو الله را بخواند و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه(علیها السلام) را بگوید، آنگاه بخواند:

سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ،

منزه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزه است صاحب شوکت مرتفع و بزرگ

سُبْحانَ ذِی الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبْحانَ مَنْ یَرى اَ ثَرَ النَّمْلَةِ فِی

منزه است صاحب فرمانروایی گرانمایه و دیرینه منزه است آن کس که بیند جای پای مور را بر

الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ یَرى وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوآءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا وَلا هَکَذا غَیْرُهُ.(2)

روی سنگ خارا منزه است آن کس که بیند ردّ عبور پرنده را در هوا منزه است آن کس که فقط او چنین است و جز او چنین نیست.

3ـ نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت، یك مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره إنّا أنزلناه را بخواند.(3)

4ـ هر کس از ظالمی خوف داشته باشد در این روز بگوید:

«حَسْبی حَسْبی حَسْبی مِنْ سُؤالی، عِلْمُكَ بِحالی»، تا خداوند او را از شرّ آن ظالم حفظ کند.(4)

روز هشتم ماه

روز هشتم ذی الحجّه را روز «ترویه» می نامند و به روایت امام صادق(علیه السلام) روزه در آن، كفّاره گناهان زیادی است.(1)

شب نهم (شب عرفه)

شب عرفه از شب های مبارك و بافضیلت است كه عبادت و توبه و راز و نیاز با حضرت حقّ در آن بسیار پرارزش است.

در روایتی از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل شده است كه فرمود: شب عرفه شبی است كه دعاها در آن مستجاب است، و كسی كه آن شب را به عبادت بپردازد، پاداش سالها عبادت را دارد و این شب، شبِ مناجات و توبه است.(1)

برای این شب، اعمالی نقل شده است:

1ـ این دعا را كه از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) نقل شده است بخواند، و در پاداش آن فرموده هر كس آن را در شب عرفه یا شب های جمعه بخواند، خداوند او را بیامرزد:

اَللّهُمَّ یا شاهِدَ كُلِّ نَجْوی، وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوی، وَعالِمَ كُلِّ خَفِیَّة،

خدایا ای آگاه هر رازو مرجع هر شكایت و دانای هر پنهان

وَمُنْتَهی كُلِّ حاجَة، یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَی الْعِبادِ، یا كَریمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ

و منتهای هر حاجت ای آغازنده نعمت ها بر بندگان ای بزرگوار گذشت ای نیكو

التَّجاوُزِ، یا جَوادُ، یا مَنْ لا یُواری مِنْهُ لَیْلٌ داج، وَلا بَحْرٌ عَجّاجٌ، وَلا

درگذر ای بخشنده ای كه نه شب تار چیزی را از تو پنهان كند و نه دریای مواج و نه

سَمآءٌ ذاتُ اَبْراجٍ، وَلا ظُلَمٌ ذاتُ ارْتِياجٍ، يا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِياءٌ،

آسمان برج دار و نه تاریکیهای پیچیده درهم ای کسی که تاریکی در پیش او روشن است

اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَريمِ، اَلَّذى تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً، وَخَرَّ

از تو خواهم به حق نور ذات بزرگوارت همان که بدان وسیله بر کوه تجلی فرمودی و آن را متلاشی کردی

مُوسى صَعِقاً، وَبِاسْمِكَ الَّذى رَفَعْتَ بِهِ السَّمواتِ بِلا عَمَدٍ، وَسَطَحْتَ بِهِ

و موسی مدهوش بر زمین افتاد و به همان نامت که آسمانها را بدون ستون برافراشتی و

الاَرْضَ عَلى وَجْهِ ماءٍ جَمَدٍ، وَبِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ

زمین را بر روی آبی منجمد شده پهن کردی و بدان نامت که پیش تو در گنجینه و در پرده و نوشته

الطّاهِرِ، اَلَّذى اِذا دُعيتَ بِهِ اَجَبْتَ، وَاِذا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ، وَبِاسْمِكَ

و پاکیزه است همانکه هرگاه بدان نام بخوانندت اجابت کنی و هرگاه بدان از تو خواهند عطافرمایی

السُّبُوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهانِ، اَلَّذى هُوَ نُورٌ عَلى كُلِّ نُورٍ، وَنُورٌ مِنْ نُورٍ،

و به حق نام منزه و مقدس و برهان تو که آن نور است بر هر نوری و نور است از نوری

يُضيئُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، اِذا بَلَغَ الاَرْضَ انْشَقَّتْ، وَاِذا بَلَغَ السَّمواتِ فُتِحَتْ،

که روشنی گیرد از آن هر نور چون به زمین رسد شکافته شود و چون به آسمانها رسد گشوده شوند

وَاِذا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ، وَبِاسْمِكَ الَّذى تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرآئِصُ مَلائِكَتِكَ،

و چون به عرش رسد بلرزد و به حق آن نامت که بلرزد از آن اندام فرشتگانت

وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاِسْرافيلَ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفى

و از تو خواهم به حق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و به حق محمّد مصطفی

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَعَلى جَميعِ الاَنْبِياءِ وَجَميعِ الْمَلائِكَةِ، وَبِالاِسْمِ

كه درود خدا بر او و آلش و بر جميع پيمبران و همه فرشتگان و به حق آن نامى

الَّذى مَشى بِهِ الْخِضْرُ عَلى قُلَلِ الْماءِ، كَما مَشى بِهِ عَلى جَدَدِ الاَرْضِ،

كه حضرت خضر بوسيله آن بر روى امواج آب دريا راه مى رفت چنانچه بر روى زمين هموار راه مى رفت

وَبِاسْمِكَ الَّذى فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسى، وَاَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ،

و به حق آن نامت كه شكافتى بدان دريا را براى موسى و غرق كردى فرعون و قوم او را

وَاَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرانَ وَمَنْ مَعَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ مُوسَى

و نجات دادى بدان موسى بن عمران و همراهانش را و به حق آن نامت كه موسى

بْنُ عِمْرانَ مِنْ جانِبِ الطُّورِ الاَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً

بن عمران بوسيله آن تو را خواند از جانب راست كوه طور و اجابتش كردى و محبّت خود را بر دلش انداختى

مِنْكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى بِهِ اَحْيى عيسَى بْنُ مَرْيَمَ الْمَوْتى، وَتَكَلَّمَ فِى الْمَهْدِ

و به حق آن نامت كه عيسى بن مريم بوسيله اش مردگان را زنده كرد و در گهواره در زمان كودكى سخن گفت

صَبِيّاً، وَاَبْرَءَ الاَكْمَهَ وَالاَبْرَصَ بِاِذْنِكَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ حَمَلَةُ

و كور مادرزاد و مبتلاى به مرض برص را به اذن تو شفا دادو بدان نامت كه خواند بوسيله آن تو را حاملين

عَرْشِكَ، وَجَبْرَئيلُ وَميكآئيلُ وَاِسْرافيلُ، وَحَبيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّهُ

عرشت و جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل و حبيبت محمّد صلى الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَمَلائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَاَنْبِيآؤُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبادُكَ

عليه و آله و فرشتگان مقرّب و پيمبران مرسلت و بندگان

الصّالِحُونَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ وَالاَرَضِينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ

شايسته ات از اهل آسمانها و زمينها و بدان نامت كه يونس تو را بدان نام خواند

ذُوالنُّونِ، اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ،فَنادى فِى الظُّلُماتِ،اَنْ

در آن هنگام كه خشمناك برفت و گمان داشت كه بر او سخت نگيرى پس ندا كرد در ميان تاريكيها كه

لا اِلـهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ

معبودى جز تو نيست منزهى تو و براستى من از ستمكاران هستم پس تو اجابتش كردى و از اندوه نجاتش دادى

مِنَ الْغَمِّ، وَكَذلِكَ تُنْجِى الْمُؤْمِنينَ، وَبِاسْمِكَ الْعَظيمِ الَّذى دَعاكَ بِهِ داوُدُ،

و اين چنين نجات دهى مؤمنان را و بدان نام عظيمت كه داود

وَخَرَّ لَكَ ساجِداً، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعَتْكَ بِهِ اسِيَةُ امْرَأَةُ

بدان نام تو را خواند و برايت به سجده افتاد پس گناهش آمرزيدى و بدان نامت كه آسيه همسر

فِرْعَوْنَ، اِذْ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لى عِنْدَكَ بَيْتاً فِى الْجَنَّةِ، وَ نَجِّنى مِنْ فِرعَوْنَ

فرعون بدان نام تو را خواند و گفت: پروردگارا براى من نزد خود در بهشت خانه اى بنا كن و نجاتم ده از فرعون و

وَعَمَلِهِ، وَ نَجِّنى مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَها دُعائَها، وَ بِاسْمِكَ

كردارش و نجاتم ده از دست مردم ستمكار پس دعايش را اجابت كردى و بدان نامت

الَّذى دَعاكَ بِهِ اَيُّوبُ، اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلاءُ، فَعافَيْتَهُ وَ اتَيْتَهُ اَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ

كه ايوب تو را بدان خواند در آن هنگام كه بلا بر او نازل شد پس او را تندرست كرده و كسانش را به او دادى و نظايرشان را

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرى لِلْعابِدينَ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ

نيز از رحمت خويش و پندى براى پرستش كنندگان و بدان نامت كه

يَعْقُوبُ، فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ، وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوسُفَ، وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ،

يعقوب تو را بدان نام خواند پس بينايیش را و نور ديده اش يوسف را به او بازگرداندو پريشانيش را برطرف كردى

وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ سُلَيْمانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً لا يَنْبَغى لاَحَد مِنْ

و بدان نامت كه سليمان بدان تو را خواند پس بدو سلطنتى دادى كه شايسته نبود براى هيچ كس

بَعْدِهِ، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ، وَبِاسْمِكَ الَّذى سَخَّرْتَ بِهِ الْبُراقَ لِمُحَمَّد صَلَّى

پس از او و براستى تو پربخششى و بدان نامت كه براق را براى محمّد صلى

اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ، اِذْ قالَ تَعالى: سُبْحانَ الَّذى اَسْرى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ

الله عليه و آله مسخر كردى آن جا كه فرمودى: منزه است خدايى كه راه برد بنده اش را شبانه از

الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الاَقْصى. وَقَوْلُهُ: سُبْحانَ الَّذى سَخَّرَ لَنا

مسجدالحرام تا مسجد اقصى» و گفتار ديگرت: منزه است خدايى كه مسخر كرد براى ما

هذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ، وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ. وَبِاسْمِكَ الَّذى تَنَزَّلَ بِهِ

اين را وگرنه ما نيروى تسخيرش را نداشتيم و ما بسوى پروردگارمان باز مى گرديم» و بدان نامت كه نازل مى شد بوسيله آن

جَبْرَئيلُ عَلى مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَبِاسْمِكَ الَّذى دَعاكَ بِهِ آدَمُ،

جبرئيل بر محمّد صلى الله عليه و آله و بدان نامت كه خواند بدان نام تو را آدم

فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَاَسْكَنْتَهُ جَنَّتَكَ، وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ، وَبِحَقِّ

پس گناهش آمرزيدى و در بهشتت جايش دادى و از تو خواهم به حق قرآن عظيم و به حق

مُحَمَّد خاتَمِ النَّبِيّينَ، وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ، وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضآءِ، وَبِحَقِّ

محمّد خاتم پيمبرانو به حق ابراهيم و به حق جدا كردنت حق و باطل را در روز داورى و به حق

الْمَوازینِ اِذا نُصِبَتْ، وَالصُّحُفِ اِذا نُشِرَتْ، وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَما جَرى،

میزانها هنگامی که نصب گردد و نامه ها آنگاه که گشوده شود و به حق قلم و آنچه بنویسد

وَاللَّوْحِ وَما اَحْصى، وَبِحَقِّ الاِسْمِ الَّذی کَتَبْتَهُ عَلى سُرادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ

و لوح و آنچه بشمارد و به حق آن نامت که نوشتی آن را بر سراپرده های عرش پیش از آن که

خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَالدُّنْیا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِاَلْفَیْ عام، وَاَشْهَدُ اَنْ لا اِلـهَ اِلاَّ

خلق را بیافرینی و دنیا و خورشید و ماه را خلق فرمایی و گواهی دهم که معبودی جز

اللهُ، وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

خدای یگانه نیست که شریکی ندارد و این که محمّد بنده و رسول او است و از تو خواهم بدان نام

الْمَخْزُونِ فی خَزآئِنِكَ، اَلَّذِی اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَكَ، لَمْ

محفوظ در خزینه هایت که مخصوص خود ساختی آن را در علم غیب در نزد خویشتن و

یَظْهَرْ عَلَیْهِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، وَلا عَبْدٌ

آگاه نشد بر آن هیچ کس از خلق تو نه فرشته مقربی و نه پیامبر مرسلی و نه بنده

مُصْطَفىً، وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی شَقَقْتَ بِهِ الْبِحارَ، وَقامَتْ بِهِ الْجِبالُ،

برگزیده ای و از تو خواهم بدان نامت که شکافتی بدان دریاها را و برپا شد بدان کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثانی، وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ،

و در رفت و آمد شد بدان شب و روز و به حق سوره مبارکه حمد و قرآن عظیم و

وَبِحَقِّ الْکِرامِ الْکاتِبینَ، وَبِحَقِّ طه وَ یس، وَکهیعص، وَحمعسق، وَبِحَقِّ

به حق نویسندگان ارجمندت و به حق طه و یس و کهیعص و حمعسق و به حق

تَوْراةِ مُوسى، وَاِنْجیلِ عیسى، وَزَبُورِ داوُدَ، وَفُرْقانِ مُحَمَّد صَلَّى اللهُ

تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمّد که درود تو

عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَعَلی جَمیعِ الرُّسُلِ، وَباهِیّاً شَراهِیّاً، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ

بر او و آلش و بر جمیع رسولان باد و به حق آهی و شراهی (که دو نام اعظم یا نام دو تن از بزرگان دین است) خدایا از تو خواهم به حق

تِلْكَ الْمُناجاتِ، اَلَّتی بَیْنَكَ وَبَیْنَ مُوسَی بْنِ عِمْرانَ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ

آن مناجاتی که میان تو و موسی بن عمران در بالای کوه طور

سَیْناآءَ، وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْاَرْواحِ،

سینا گذشت و از تو خواهم به آن نامت که آن را برای گرفتن جانها به ملك الموت یاد دادی

وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی کُتِبَ عَلی وَرَقِ الزَّیْتُونِ، فَخَضَعَتِ النّیرانُ لِتِلْكَ

و از تو خواهم بدان نامت که نوشته شد به برگ زیتون و آتشها در مقابل آن نام فروتن گشت

الْوَرَقَةِ، فَقُلْتَ: یا نارُ کُونی بَرْداً وَسَلاماً. وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی کَتَبْتَهُ

و فرمودی «ای آتش سرد و سلامت باش» و از تو خواهم بدان نامت که نوشتی آن را بر

عَلی سُرادِقِ الْمَجْدِ وَالْکَرامَةِ، یا مَنْ لا یُحْفیهِ سائِلٌ، وَلا یَنْقُصُهُ نائِلٌ،

سراپرده های مجد و کرامت ای که درمانده اش نکند سائلی و نکاهدش دادن جایزه ای،

یا مَنْ بِهِ یُسْتَغاثُ وَاِلَیْهِ یُلْجَأُ، اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَی

ای که به او استغاثه شود و به او پناه برند از تو خواهم به حق آنچه موجب عزت عرشت گشته

الرَّحْمَةِ مِنْ کِتابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ، وَجَدِّكَ الْاَعْلی، وَکَلِماتِكَ

و به آخرین حد نهایی رحمت از کتاب تو و به اسم اعظمت و مقام والاترت و کلمات

التّآمّاتِ الْعُلی، اَللّهُمَّ رَبَّ الرِّیاحِ وَما ذَرَتْ، وَالسَّمآءِ وَما اَظَلَّتْ،

کامله و والایت خدایاای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کنند و پروردگار آسمان و آنچه را سایه کنند

وَالاَرْضِ وَما اَقَلَّتْ، وَالشَّياطينِ وَما اَضَلَّتْ، وَالْبِحارِ وَما جَرَتْ،

و پروردگار زمین و آنچه برخود دارد و پروردگار شیاطین و آنچه را گمراه کنند و دریاها و آنچه را همراه برند

وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبينَ،

و به حق هر حقی که بر توست و به حق فرشتگان مقربت

وَالرَّوْحانِيّينَ وَالْكَرُوبِيّينَ، وَالْمُسَبِّحينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ لا يَفْتُرُونَ،

و روحانیان و کروبیان و آنان که تسبیحت کنند به شب و روز بی آن که سستی کنند

وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ خَليلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُناديكَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ،

و به حق ابراهیم خلیل توو به حق هر ولی و دوستی که تو را در میان صفا و مروه صدا زند

وَتَسْتَجيبُ لَهُ دُعآئَهُ، يا مُجيبُ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هذِهِ الْاَسْماءِ، وَبِهذِهِ

و دعایش را به اجابت رسانی ای اجابت کننده از تو خواهم به حق این نامها و به این

الدَّعَواتِ، اَنْ تَغْفِرَ لَنا ما قَدَّمْنا وَما اَخَّرْنا، وَما اَسْرَرْنا وَما اَعْلَنّا، وَما

دعاها که بیامرزی آنچه ازگناهان که از پیش داشته و از این پس داریم و آنچه پنهان کرده و آنچه را آشکار کردیم و آنچه را

اَبْدَيْنا وَما اَخْفَيْنا، وَما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ،

ظاهر کرده و آنچه را مخفی کردیم و آنچه را تو بدان آگاهتری از ما که براستی تو بر هر چیز توانایی

بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا حافِظَ كُلِّ غَريب، يا مُونِسَ كُلِّ وَحيد،

به رحمتت ای مهربانترین مهربانان ای نگهدار هر غریب ای همدم هر تنها

يا قُوَّةَ كُلِّ ضَعيف، يا ناصِرَ كُلِّ مَظْلُوم، يا رازِقَ كُلِّ مَحْرُوم، يا مُونِسَ

ای نیروی هر ناتوان ای یاور هر ستمدیده ای روزی ده هر محروم ای مونس

كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يا صاحِبَ كُلِّ مُسافِرٍ، يا عِمادَ كُلِّ حاضِرٍ، يا غافِرَ كُلِّ

هر وحشت زده ای همراه هر مسافر ای تکیه گاه هر حاضر در وطن ای آمرزنده هر

ذَنْبٍ وَخَطيئَةٍ، يا غِياثَ الْمُسْتَغيثينَ، يا صَريخَ الْمُسْتَصْرِخينَ، يا

گناه و خطا ای فریادرس فریادخواهان ای دادرس دادخواهان ای

كاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبينَ، يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومينَ، يا بَديعَ

برطرف کننده محنت زدگان ای غمزدای غمزدگان ای پدید آرنده

السَّمواتِ وَالْاَرَضينَ، يا مُنْتَهى غايَةِ الطّالِبينَ، يا مُجيبَ دَعْوَةِ

آسمانها و زمینها ای منتهای مقصود جویندگان ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرّينَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، يا رَبَّ الْعالَمينَ، يا دَيّانَ يَوْمِ الدّينِ، يا

درماندگان ای مهربانترین مهربانان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای

اَجْوَدَ الاَجْوَدينَ، يا اَكْرَمَ الاَكْرَمينَ، يا اَسْمَعَ السّامِعينَ، يا اَبْصَرَ

بخشنده ترین بخشندگان ای با کرمترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین

النّاظِرينَ، يا اَقْدَرَ الْقادِرينَ، اِغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَاغْفِرْ لِيَ

بینایان ای قادرترین قدرتمندان بیامرز از من آن گناهانی را که نعمتها را تغییر دهد و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتى تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتى تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ

گناهانی را که پشیمانی به بار آورد و بیامرز از من گناهانی را که موجب بیماریها گردد و بیامرز

لِيَ الذُّنُوبَ الَّتى تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعآءَ،

از من گناهانی را که پرده ها بدرد و بیامرز از من گناهانی را که دعا را باز گرداند

وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمآءِ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی

و بیامرز از من گناهانی را که باران را از آسمان جلوگیری کند و بیامرز از من گناهانی را که

تُعَجِّلُ الْفَنآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَجْلِبُ الشَّقآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ

شتاب در نابودی کند و بیامرز از من گناهانی راکه بدبختی آرد و بیامرز از من گناهانی

الَّتی تُظْلِمُ الْهَوآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَکْشِفُ الْغِطآءَ، وَاغْفِرْ لِیَ

که هوا را تاریك کند و بیامرز از من گناهانی را که پرده را بالا زند و بیامرز از من

الذُّنُوبَ الَّتی لا یَغْفِرُها غَیْرُکَ یا اَللهُ، وَاحْمِلْ عَنّی کُلَّ تَبِعَة لاِحَد مِنْ

گناهانی را که جز تو کسی آنها را نیامرزد ای خدا و بردار از دوش من هر حقی که از یکی از

خَلْقِکَ، وَاجْعَلْ لی مِنْ اَمْری فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَیُسْراً، وَاَنْزِلْ یَقینَکَ فی

خلق تو بر گردن من است و قرار ده برای من در کارم گشایش و آسانی و وسیله بیرون آمدنی و فرود آر یقینت را در

صَدْری، وَرَجآءَکَ فی قَلْبی، حَتّی لا اَرْجُوَ غَیْرَکَ، اَللّـهُمَّ احْفَظْنی

سینه ام و امیدت رادر دلم تا امیدی به کسی جز تو نداشته باشم خدایا مرا حفظ کن

وَعافِنی فی مَقامی، وَاصْحَبْنی فی لَیْلی وَنَهاری، وَمِنْ بَیْنِ یَدَیَّ

و عافیتم ده در جایگاهم و همراه من باش در شب و روزم و از پیش رو

وَخَلْفی، وَعَنْ یَمینی وَعَنْ شِمالی، وَمِنْ فَوْقی وَمِنْ تَحْتی، وَیَسِّرْ لِیَ

و پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و راه را بر من هموار کن

السَّبیلَ، وَاَحْسِنْ لِیَ التَّیْسیرَ، وَلا تَخْذُلْنی فِی الْعَسیرِ، وَاهْدِنی یا خَیْرَ

و آسانی خوشی برایم پیش آور و در دشوارىها خوارم مکن و راهنماییم کن ای بهترین

دَلیل، وَلا تَكِلْنی اِلی نَفْسی فِی الاُمُورِ، وَلَقِّنی كُلَّ سُرُور، وَاقْلِبْنی اِلی

راهنما و در كارها مرا به خودم وامگذار و هر سرور و خوشحالی را به دلم انداز و بازگردان مرا بسوی

اَهْلی بِالْفَلاحِ وَالنَّجاحِ، مَحْبُوراً فِی الْعاجِلِ وَالاْجِلِ، اِنَّكَ عَلی كُلِّ

خانواده ام به رستگاری و كامیابی و آراسته به شادكامی در دنیا و آخرت كه براستی توبر هر چیز

شَیْء قَدیرٌ، وَارْزُقْنی مِنْ فَضْلِكَ، وَاَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ طَیِّباتِ رِزْقِكَ،

توانایی و از فضل خویش روزیم كن و فراخ گردان بر من از روزیهای پاكیزه ات

وَاسْتَعْمِلْنی فی طاعَتِكَ، وَاَجِرْنی مِنْ عَذابِكَ وَنارِكَ، وَاقْلِبْنی اِذا

و وادارم كن به انجام طاعتت و پناهم ده از عذاب و آتش دوزخت و بگردانم به رحمت خود هنگامی

تَوَفَّیْتَنی اِلی جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ،

كه مرا از این جهان بیرون بری بسوی بهشتت خدایا به تو پناه برم از زوال نعمتت

وَمِنْ تَحْویلِ عافِیَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذابِكَ، وَاَعُوذُ

و از تغییر یافتن عافیتت و از آمدن عقوبتت و از نازل شدن عذابت و به تو پناه برم

بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ، وَدَرَكِ الشَّقآءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضآءِ، وَشَماتَةِ الاْعْدآءِ،

از سختی بلا و گرفتاری و رسیدن بدبختی و از تقدیر بدو شماتت دشمنان

وَمِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ، وَمِنْ شَرِّ ما فِی الْكِتابِ الْمُنْزَلِ، اَللّهُمَّ لا

و از شرّ آنچه از آسمان فرود آید و از شرّ آنچه دركتاب منزل خود (قرآن) بیان فرموده ای خدایا

تَجْعَلْنی مِنَ الاْشْرارِ، وَلا مِنْ اَصْحابِ النّارِ، وَلا تَحْرِمْنی صُحْبَةَ

مرا از اشرار و از اهل دوزخ قرارم مده و از مصاحبت نیكان محروم مفرما

الاْخْیارِ، وَاَحْیِنی حَیاةً طَیِّبَةً، وَتَوَفَّنی وَفاةً طَیِّبَةً تُلْحِقُنی بِالاَبْرارِ،

و به زندگی پاکیزه زنده ام بدار و به مرگ پاکیزه ای بمیرانم که به نیکان ملحقم داری

وَارْزُقْنی مُرافَقَةَ الاَنْبِیآءِ فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیكٍ مُقْتَدِرٍ، اَللّٰهُمَّ لَكَ

و رفاقت پیمبران را روزیم گردانی در جایگاه پسندیده نزد پادشاهی نیرومند خدایا از آن

الْحَمْدُ عَلی حُسْنِ بَلائِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی الاِسْلامِ، وَ]اتِّباعِ[

توست ستایش بر خوش آزمایشی و خوش رفتاریت و تو راست ستایش بر نعمت دین اسلام و پیروی

السُّنَةِ، یا رَبِّ كَما هَدَیْتَهُمْ لِدینِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتابَكَ، فَاهْدِنا وَعَلِّمْنا،

طریقه (پیمبران) پروردگارا چنانچه آن پیمبران را به دین خود راهنمایی کردی و کتاب خود را به آنان یاد دادی ما را نیز هدایت کرده و یادمان ده

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلی حُسْنِ بَلائِكَ وَصُنْعِكَ عِنْدی خاصَّةً، كَما خَلَقْتَنی

و تو راست ستایش بر خصوص آزمایش و رفتار نیکت درباره شخص من که مرا آفریدی

فَاَحْسَنْتَ خَلْقی، وَعَلَّمْتَنی فَاَحْسَنْتَ تَعْلیمی، وَهَدَیْتَنی فَاَحْسَنْتَ

و خلقتم را نیکو کردی و یادم دادی و نیکو یاد دادی و هدایتم کردی و نیکو

هِدایَتی، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلی اِنْعامِكَ عَلَیَّ قَدیماً وَحَدیثاً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ یا

هدایت کردی پس تو راست ستایش بر نعمت بخشیت نسبت به من از زمان قدیم و جدید پس چه بسیار محنتی که ای

سَیِّدی قَدْ فَرَّجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ یا سَیِّدی قَدْ نَفَّسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ یا

آقای من تو آن را گشودی و چه بسیار اندوهی که ای

سَیِّدی قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلاءٍ یا سَیِّدی قَدْ صَرَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَیْبٍ یا

آقای من تو آن را زدودی و چه بسیار غم و غصه ای که ای آقای من تو آن را برطرف کردی و چه بسیار بلا و گرفتاری ای آقای من که تو آن را باز گرداندی و چه بسیار عیبی ای

سَيِّدى قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلى كُلِّ حال فى كُلِّ مَثْوىً وَزَمان،

آقای من كه تو آن را پوشاندی پس تو راست ستايش بر هر حال و در هر جا و هر زمان

وَمُنْقَلَب وَمُقام، وَعَلى هذِهِ الْحالِ وَكُلِّ حال، اَللّهُمَّ اجْعَلْنى مِنْ اَفْضَلِ

و هر منزل و هر مقام و بر اين حال و هر حال خدايا قرار ده مرا از بهترين

عِبادِكَ نَصيباً فى هذَا الْيَوْمِ]فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ[مِنْ خَيْر تَقْسِمُهُ، اَوْ ضُرٍّ

بندگانت در بهره مندی اين روز از هر خيری كه قسمت كنی يا گرفتاری

تَكْشِفُهُ، اَوْ سُوء تَصْرِفُهُ، اَوْ بَلاء تَدْفَعُهُ، اَوْ خَيْر تَسُوقُهُ، اَوْ رَحْمَة

كه برطرف كنی يا بدی كه بازش گردانی يا بلايي كه دفعش كنی يا خيری كه بفرستی يا رحمتی

تَنْشُرُها، اَوْ عافِيَة تُلْبِسُها، فَاِنَّكَ عَلى كُلِّ شَیْء قَديرٌ، وَبِيَدِكَ خَزآئِنُ

كه بگسترانی يا جامه تندرستی كه بپوشانی كه براستی تو بر هر چيز توانايي و خزينه های آسمانها

السَّمواتِ وَالاَرْضِ، وَاَنْتَ الْواحِدُ الْكَريمُ الْمُعْطِى الَّذى لا يُرَدُّ سآئِلُهُ،

و زمين بدست توست و تويي خدای يگانه بزرگوار عطابخشی كه خواهنده اش دست خالی بازنگردد

وَلا يُخَيَّبُ آمِلُهُ، وَلا يَنْقُصُ نآئِلُهُ، وَلا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، بَلْ يَزْدادُ كَثْرَةً

و آرزومندش نااميد نشود و عطاهايش نقصان نپذيرد و خزينه اش پايان ندارد بلكه همواره به زيادی

وَطيباً، وَعَطآءً وَجُوداً، وَارْزُقْنى مِنْ خَزآئِنِكَ الَّتى لا تَفْنى، وَمِنْ

و پاكيزگی و عطا و جودش بيفزايد و روزيم كن از خزينه هايت كه فنا نپذيرد و از رحمت

رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ، اِنَّ عَطآئَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُوراً، وَاَنْتَ عَلى كُلِّ شَیْء قَديرٌ، بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.(2)

وسيعت كه براستی عطای تو از كسی منع نشده و تو بر هر چيز توانايي به رحمتت ای مهربانترين مهربانان.

2ـ مستحب است این تسبیحات را بخواند که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: هرکس در شب عرفه این تسبیحات ده گانه را هزار مرتبه بخواند، هر حاجتی از خداوند بخواهد، جز خواسته ای که گناه باشد، برآورده می شود:

سُبْحانَ مَنْ فِی السَّماءِ عَرْشُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِی الاَرْضِ سَطْوَتُهُ،

منزّه است خدایی که در آسمان است عرش او منزه است خدایی که در زمین است فرمان و حکمش

سُبْحانَ الَّذِي فِی الْبَحْرِ سَبيلُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِی النّارِ سُلْطانُهُ، سُبْحانَ

منزّه است خدایی که در دریا راه دارد منزّه است

الَّذِي فِی الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، سُبْحانَ الَّذِي فِی الْقُبُورِ قَضاؤُهُ، سُبْحانَ الَّذِي

خدایی که در آتش دوزخ سلطنتش موجود است منزّه است خدایی که در بهشت رحمت اوست منزّه است خدایی که در گورها قضا و فرمانش جاری است منزّه است خدایی که

فِی الْهَواءِ اَمْرُهُ، سُبْحانَ الَّذِي رَفَعَ السَّماءَ، سُبْحانَ الَّذِي وَضَعَ الاْرْضَ،

در هوا امر اوست منزّه است خدایی که آسمان را بالا برد منزّه است خدایی که زمین را گسترد

سُبْحانَ مَنْ لا مَنْجا مِنْهُ إلاّ إِلَيْهِ.(3)

منزّه است خدایی که ملجأ و پناهی از او نیست جز به سوی خودش.

3ـ زیارت امام حسین(علیه السلام). در روایتی امام باقر(علیه السلام) فرمود: هر کس در شب عرفه امام حسین(علیه السلام) را زیارت کند و تا روز عید در آن جا بماند، خداوند او را از گرفتاری و مشکلات آن سال محفوظ بدارد.(4)

4ـ دعایی را که در اعمال شب جمعه و روز عرفه نیز وارد شده است بخواند که در اعمال شب جمعه (صفحه 966) خواهد آمد و ابتدای آن چنین است: أَللّهُمّ مَن تَعَبَّأَ وَ تَهَیَّأَ وَ أَعَدَّ.(5)

روز نهم (روز عرفه)

مرحوم (علاّمه مجلسی) می گوید: روز عرفه از اعیاد بزرگ اسلامی است و کسی که بتواند این روز را در (عرفات) باشد، توفیق بزرگی دارد. این روز اعمال و دعاهای فراوانی دارد و بهترین عمل در این روز، دعا است.(1)

این روز، برای تقویت معرفت الهی، و رابطه عمیق تر با حضرت حق و شناخت صفات جمال و جلال پروردگار، بسیار مناسب و مغتنم است.

این روز، بویژه برای کسانی که در سرزمین پرخاطره و انسان ساز «عرفات» باشند و در مناسك حج شرکت داشته باشند، سعادت مضاعف خواهد بود; آنان که در لباس سفید احرام، با قلبی مملوّ از عشق خداوند، دعای عرفه امام حسین(علیه السلام) را در سرزمین عرفات زمزمه می کنند، از این زلال معرفت ناب، بیش از دیگران سیراب می شوند.

امام باقر(علیه السلام) از امام زین العابدین(علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت در روز عرفه جمعی را مشاهده کرد که دست نیاز به سوی مردم دراز کرده و کمك می خواستند! حضرت فرمود: وای بر شما! آیا از غیر خدا در این روز حاجت می طلبید در حالی که در این روز امید می رود که فضل خداوند حتّی شامل بچّه هايي شود که در شکم مادرانند.(2)

در روز عرفه، مخصوصاً دعا برای مؤمنان و دوستان بسیار سفارش شده است. چه آنان که زنده اند و چه کسانی که از دنیا رفته اند.(3)

از ابراهیم بن هاشم که از بزرگان شیعه است چنین نقل شده که: «عبد الله بن جندب» را در سرزمین عرفات دیدم که در روز عرفه، غرق در دعا و راز و نیاز بود. دست های خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و اشك از چشمانش سرازیر بود، و فراوان گریه می کرد; در پایان نزد او رفتم و گفتم: وقوف و عبادت هیچ کس را مثل تو ندیدم. گفت به خدا سوگند! فقط برای برادران مؤمن دعا کردم، زیرا از امام موسی کاظم(علیه السلام) شنیدم که فرمود: هر کس برای برادران مؤمن خود دعا کند، از عرش ندا می رسد که صدهزار برابر آن برای خود تو خواهد بود، و من نخواستم از صد هزار برابر دعای فرشتگان که یقیناً مستجاب است، دست بردارم! و برای خودم دعا کنم که نمی دانم مستجاب خواهد شد یا خیر!(4)

اعمال روز عرفه

برای روز عرفه چند عمل وارد شده است:

1ـ روزه گرفتن; که پاداش فراوانی دارد. ولی اگر روزه در آن روز سبب ضعف و ناتوانی جهت دعا و انجام اعمال و عبادات روز عرفه شود ترك آن بهتر است!(5) (البتّه روزه مربوط به کسانی است که در وطن هستند یا قصد اقامت ده روز کرده اند).

2ـ غسل کردن قبل از غروب آفتاب.(6)

3ـ زیارت امام حسین(علیه السلام)، که زیارت آن حضرت در روز عرفه طبق روایتی از امام صادق(علیه السلام) پاداش حج و عمره بسیار، و جهاد فراوان دارد.(7)

در روایت دیگری از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است که خداوند در روز عرفه، توجّه خاصّی به زائران قبر امام حسین(علیه السلام) دارد، حاجاتشان را برآورده می سازد و گناهانشان را می آمرزد.(8)

در حدیث دیگری از سه امام بزرگوار، حضرت امام صادق و امام کاظم و امام رضا(علیهم السلام) آمده است که هر کس روز عرفه به زیارت امام حسین(علیه السلام) برود، خداوند او را با ایمان محکم همراه با اطمینان باز می گرداند.(9)

به هر حال، همان گونه که (سیّد بن طاووس)، در (اقبال) فرموده است: احادیث در فضیلت زیارت امام حسین(علیه السلام) در روز عرفه، متواتر است.(10) به همین دلیل سیل مشتاقان در این روز به سوی مرقد آن حضرت سرازیر می شود.

زیارت مخصوص امام حسین(علیه السلام) در روز عرفه، در بخش زیارات (صفحه 423) ذکر شد.

4ـ پس از نماز عصر، و قبل از آن که دعاهای روز عرفه را بخواند، دو رکعت نماز در زیر آسمان، بجا آورد و به گناهان و خطاهای خود اعتراف کند، که امام صادق(علیه السلام) فرمود: هر کس چنین کند، پاداش کسانی که در سرزمین عرفاتند، را خواهد داشت و گناهانش آمرزیده گردد.(11)

مرحوم (شیخ کفعمی) کیفیّت نماز را این گونه آورده است: پس از آن که نماز ظهر و عصر را با رکوع و سجود نیکو، بجا آوردی، دو رکعت نماز بخوان ; در رکعت اوّل بعد از سوره حمد، سوره توحید (قل هو الله احد) و در رکعت دوم، پس از سوره حمد، سوره قُل یا اَیُّهَا الْکافِرُون را بخوان. بعد از آن نیز چهار رکعت نماز بگزار (هر دو رکعت به یك سلام). و در هر رکعت بعد از سوره حمد، پنجاه مرتبه سوره توحید را بخوان (که نماز امیرالمؤمنین نیز به همین صورت است) آنگاه این تسبیحات را که از رسول خدا نقل شده است و (سیّدبن طاووس) آن را در (اقبال) آورده، بخوان:

سُبْحانَ مَنْ فِی السَّماءِ عَرْشُهُ... (این تسبیحات را در اعمال شب عرفه ذکر کردیم).

آنگاه صد مرتبه بگو:

سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَ اللّهُ اَکْبَرُ.

منزّه است خدا و حمد از آن خداست و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ تر از توصیف است.

و صد مرتبه سوره قُل هُوَ اللّهُ أحَد را بخوان و صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه **صلوات بر محمّد و آل محمّد** ده مرتبه : لااِلـهَ اِلاَّ اللّهُ، وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ وَیُحْیی، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدیرٌ.

معبودی جز خدا نیست یگانه ای که شریك ندارد پادشاهی خاصّ اوست و از آن اوست حمد کند زنده و بمیراند و بمیراند و زنده کند و اوست زنده ای که نمیرد هر چه خیر است به دست اوست و او بر همه چیز تواناست.

ده مرتبه: اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی لا اِلـهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، وَاَتُوبُ اِلَیْهِ.

آمرزش خواهم از خدایی که معبود به حقی جز او نیست که زنده و پاینده است و به سویش توبه کنم.

ده مرتبه یا اَللّهُ ـ ده مرتبه یا رَحْمنُ ـ ده مرتبه یا رَحیمُ ـ ده مرتبه یا بَدیعَ السَّمواتِ وَالاَرْضِ، یا ذَاالْجَلالِ وَالاِکْرامِ ـ ده مرتبه یا حَیُّ یا قَیُّومُ ـ ده مرتبه یا حَنّانُ یا مَنّانُ ـ ده مرتبه یا لا اِلـهَ اِلاَّ اَنْتَ ـ ده مرتبه آمینَ.

پس آنگاه بگو:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ، یا مَنْ یَحُولُ

خدایا از تو خواهم ای کسی که او نزدیکتر است به من از رگ گردن ای که حائل شود

بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الاَعْلی وَ بِالاُفُقِ الْمُبینِ، یا مَنْ هُوَ

میان انسان و دلش ای که او در دیدگاه اعلی است و در افق آشکاری است ای که او

الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی، یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ

بخشاینده است و بر عرش استیلا دارد ای که نیست مانندش چیزی و او شنوا و

الْبَصیرُ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد.

بینا است از تو خواهم که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد.

آنگاه حاجت خود را از خداوند طلب کن که برآورده خواهد شد، ان شاءالله.(12)

(دعای کوتاه بالا دعای بسیار پرمحتوایی است که سزاوار است انسان هر زمان که حال دعا پیدا کند از آن بهره گیرد و همچنین در قنوت های نماز می توان از آن استفاده کرد; دعایی است که جمله های آن غالباً از آیات قرآن گرفته شده و صفات جمال و جلال خداوند در آن منعکس است).

مرحوم(کفعمی) در ادامه می افزاید: پس از آن این صلوات را بخوان; امام صادق(علیه السلام) فرمود: هر کس بخواهد محمّد و آل محمّد را با صلوات بر آنان مسرور و خشنود سازد، این صلوات را بخواند(13):

اَللّهُمَّ یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطی، وَیا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ،

خدایا ای بخشنده ترین عطابخشان و ای بهترین درخواست شدگان و ای مهربانترین کسی که از او مهربانی جویند

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَآلِهِ فِی الاَوَّلینَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد وَآلِهِ فِی

خدایا درود فرست بر محمّد و آلش در زمره پیشینیان و درود فرست بر محمّد و آلش در زمره

الاْخِرينَ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَآلِهِ فِى الْمَلاِ الاَعْلى، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّد

پسینیان و درود فرست بر محمّد و آلش در ساكنين عالم بالا و درود فرست بر محمّد

وَآلِهِ فِى الْمُرْسَلينَ، اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً وَ آلَهُ الْوَسيلَةَ وَ الْفَضيلَةَ،

و آلش در زمره مرسلين خدايا عطا كن به محمّد و آلش مقام وسيله و فضيلت

وَالشَّرَفَ وَ الرِّفْعَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبيرَةَ، اَللّهُمَّ اِنّى آمَنْتُ بِمُحَمَّد صَلَّى اللّهُ

و شرف و رفعت و درجه بلند خدايا من ايمان آوردم به محمّد صلى الله

عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ اَرَهُ، فَلا تَحْرِمْنى فِى الْقِيمَةِ رُؤْيَتَهُ، وَ ارْزُقْنى صُحْبَتَهُ،

عليه و آله با اين كه او را نديده ام پس در روز قيامت از ديدارش محروم مفرما و مصاحبت و همنشينى او را روزيم فرما

وَتَوَفَّنى عَلى مِلَّتِهِ، وَ اسْقِنى مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سآئِغاً هَنيئاً، لا

و بر كيش او بميرانم و بنوشانم از حوض او (حوض كوثر) نوشاندنى سيراب و جانبخش و گوارا كه

اَظْمَاُ بَعْدَهُ اَبَداً، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْء قَديرٌ، اَللّهُمَّ اِنّى آمَنْتُ بِمُحَمَّد صَلَّى

پس از آن هرگز تشنه نشوم كه براستى تو بر هر چيز توانايى خدايا من ايمان آورده ام به محمّد صلى

اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ اَرَهُ، فَعَرِّفْنى فِى الْجِنانِ وَجْهَهُ، اَللّـهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً

الله عليه وآله و او را نديده ام پس در بهشت رويش را به من نشان ده خدايا برسان به محمّد

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنّى، تَحِيَّةً كَثيرَةً وَسَلاماً.

صلى الله عليه و آله از جانب من تحيتى بسيار و سلامى.

آنگاه دعای «امّ داوود» را بخوان (که در اعمال نیمه ماه رجب ـ صفحه 647 ـ گذشت). سپس این تسبیحات را که پاداش فراوانی دارد، بخوان:

سُبْحانَ اللّهِ قَبْلَ کُلِّ اَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ بَعْدَ کُلِّ اَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ مَعَ

منزه باد خدا پیش ازهر کس و منزه باد خدا پس از هرکس و منزه باد خدا با

کُلِّ اَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ یَبْقی رَبُّنا و یَفْنی کُلُّ أَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ تَسْبیحاً

هرکس و منزه باد خدا که باقی ماند پروردگار ما و فانی شود هرکس و منزه باد خدا تنزیهی

یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً قَبْلَ کُلِّ اَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ

که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پیش از هرکس و منزه باد خدا

تَسْبیحاً یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً بَعْدَ کُلِّ اَحَد، وَ سُبْحانَ

تنزیهی که فزونی گیرد برتسبیح تسبیح گویان فزونی بسیاری پس از هر کس و منزه باد

اللّهِ تَسْبیحاً یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً مَعَ کُلِّ اَحَد، وَسُبْحانَ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان فزونی بسیار با هر کس، و منزه باد

اللّهِ تَسْبیحاً یَفْضُلُ تَسْبیحَ الْمُسَبِّحینَ فَضْلاً کَثیراً لِرَبِّنَا الْباقی وَیَفْنی کُلُّ

خدا تنزیهی که فزونی گیرد بر تسبیح تسبیح گویان برتری بسیاری برای پروردگار ما که باقی ماند و جز او فانی شود هر

اَحَد، وَ سُبْحانَ اللّهِ تَسْبیحاً لا یُحْصی وَ لا یُدْری وَ لا یُنْسی، وَ لا یَبْلی

کس و منزه باد خدا تنزیهی که به شماره در نیاید و دانسته نشود و فراموش نگردد و کهنه نشود

وَ لا یَفْنی وَ لَیْسَ لَهُ مُنْتَهی، وَ سُبْحانَ اللّهِ تَسْبیحاً یَدُومُ بِدَوامِهِ، وَ یَبْقی

و فنا نپذیرد و انتهایی برایش نباشد و منزه باد خدا تنزیهی که دوام داشته باشدبه دوام او و باقی ماند

بِبَقآئِهِ فی سِنِی الْعالَمینَ، وَ شُهُورِ الدُّهُورِ، وَ اَیّامِ الدُّنْیا وَ ساعاتِ اللَّیْلِ

به بقای او در طول سالهای این جهان و سایر جهانیان و ماههای این روزگار و هر روزگار و روزهای دنیا و ساعات شب

وَ النَّهارِ، وَ سُبْحانَ اللهِ اَبَدَ الاَبَدِ، وَمَعَ الاَبَدِ مِمّا لا یُحْصیهِ الْعَدَدُ، وَ لا

و روز و منزه باد خدا تا جاویدان است جاوید و و همراه با جاوید بد انسان که شماره اش نتوان کرد و

یُفْنیهِ الاَمَدُ، وَ لا یَقْطَعُهُ الاَبَدُ، وَتَبارَكَ اللهُ اَحْسَنُ الْخالِقینَ.

زمان و مدت آن را به فنا نکشاند و قطعش نکند «هرگز» و بزرگ است خدا بهترین آفریدگان.

بار دیگر همین دعا را بخوان، ولی بجای سُبْحانَ اللهِ قَبْلَ کلِّ أَحَد، بگو: وَ الْحَمْدُ لِلّه قَبْلَ کُلِّ اَحَد، و هر جا که کلمه سُبْحانَ الله دارد; به جای آن اَلْحَمدُ لِلّه بگو و دعا را تا آخر بخوان.

برای بار سوم از ابتدا شروع کن ولی این بار به جای سُبْحانَ اللهِ، بگو: لا إِلهَ إلاّ الله. مثلاً بگو: لا إله إلاّ الله قَبْلَ کُلِّ أَحَد...

در مرتبه چهارم، دعا را از ابتدا شروع کن و تا آخر بخوان، ولی به جای سبحان الله بگو ألله اکبر. مثلاً می گویی: ألله أکبر قَبلَ کلِّ أحد...

سپس دعای اَللّهُمَّ مَنْ تَعَبَّأَ وَ تَهَیَّأَ را بخوان (که در اعمال شب جمعه، صفحه 966 خواهد آمد).(14)

آنگاه با نهایت خشوع و فروتنی، دعای چهل و هفتم «صحیفه سجّادیّه» را بخوان که بسیار دعای گران قدر و ارزشمندی است.(15)

5- دعای معروف عرفه

از جمله دعاهایی که خواندنش در روز عرفه سفارش شده است دعای معروف و مشهور سالار شهیدان امام حسین(علیه السلام) است که ازمحتوای بسیارباارزش وبی نظیری برخورداراست;این دعای پرفیض،گنجینه ای از معارف اسلامی است که راه خداشناسی و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوی مسلمانی می آموزد، و روح را به بالاترین اوج معرفت، می رساند; می توان گفت یك دوره عرفان اسلامی در آن درج است.

بشر و بشیر(16) از فرزندان (غالب اسدی) روایت کرده اند که: عصر روز «عرفه» در سرزمین «عرفات» خدمت امام حسین(علیه السلام) بودیم که آن حضرت با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود، در نهایت خشوع و فروتنی، از خیمه خویش بیرون آمدند و در قسمت چپ کوه [جبل الرحمه، کوه معروفی است در وسط عرفات] رو به سوی کعبه ایستادند و همانند فقیر و نیازمندی که چیزی طلب کند، دست ها را در برابر صورت گرفتند و این دعا را خواندند (17)

(برای توجّه بیشتر به محتوای این دعا آن را به نه بخش تقسیم کردیم).

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی لَیْسَ لِقَضآئِهِ دافِعٌ، وَلا لِعَطائِهِ مانِعٌ، وَلا کَصُنْعِهِ صُنْعُ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش ساخته هیچ

صانِع،وَهُوَ الْجَوادُ الْواسِعُ،فَطَرَ اَجْناسَ الْبَدائِعِ، واَتْقَنَ بِحِکْمَتِهِ الصَّنائِعَ،

سازنده ای و اوست بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه ها(ی عالم وجود)

لا تَخْفی عَلَیْهِ الطَّلایِعُ، وَ لا تَضیعُ عِنْدَهُ الْوَدائِعُ، جازی کُلِّ صانِع،

بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود پاداش دهنده عمل هر سازنده

وَ رائِشُ کُلِّ قانع، وَ راحِمُ کُلِّ ضارِع، وَ مُنْزِلُ الْمَنافِعِ وَ الْکِتابِ الْجامِعِ

و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که

بِالنُّورِ السّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَواتِ سامِعٌ، وَ لِلْکُرُباتِ دافِعٌ، وَ لِلدَّرَجاتِ

فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و اوست که دعاها را شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات

رافِعٌ، وَ لِلْجَبابِرَةِ قامِعٌ، فَلا اِلهَ غَیْرُهُ، وَلا شَیْءَ یَعْدِلُهُ، وَلَیْسَ کَمِثْلِهِ

را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش

شَیْءٌ، وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ اللَّطیفُ الْخَبیرُ، وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدیرٌ.

نیست و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز تواناست.

اَللّهُمَّ اِنّی اَرْغَبُ إِلَیْکَ، وَاَشْهَدُ بِالرُّبُوبِیَّةِ لَکَ، مُقِرّاً بِاَنَّکَ رَبّی،وَ اِلَیْکَ

خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به این که تو پروردگار منی و بسوی توست

مَرَدّی، اِبْتَدَأْتَنی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ اَنْ اَکُونَ شَیْئاً مَذْکُوراً، وَخَلَقْتَنی مِنَ

بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آن که باشم چیز قابل ذکری و مرا از

التُّرابِ، ثُمَّ اَسْکَنْتَنِی الاَصْلابَ، آمِناً لِرَیْبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلافِ الدُّهُورِ

خاك آفریدی آنگاه در میان صلبها جایم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه و تغییرات روزگار

وَالسِّنینَ، فَلَمْ اَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْب اِلی رَحِم فی تَقادُم مِنَ الاَیّامِ

و سالها و همچنان همواره از صلبی به رحمی کوچ کردم در ایّام

الْماضِیَةِ، وَالْقُرُونِ الْخالِیَةِ، لَمْ تُخْرِجْنی لِرَأْفَتِکَ بی وَلُطْفِکَ لی

قدیم و گذشته و قرنهای پیشین و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی

وَاِحْسانِکَ اِلَیَّ فی دَوْلَةِ اَئِمَّةِ الْکُفْرِ الَّذینَ نَقَضُوا عَهْدَکَ، وَکَذَّبُوا رُسُلَکَ،

و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت پیشوایان کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند

لکِنَّکَ اَخْرَجْتَنی لِلَّذی سَبَقَ لی مِنَ الْهُدَی الَّذی لَهُ یَسَّرْتَنی، وَفیهِ

ولی در زمانی مرا بدنیا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن

اَنْشَأْتَنی، وَمِنْ قَبْلِ ذلِکَ رَؤُفْتَ بی بِجَمیلِ صُنْعِکَ، وَسَوابِغِ نِعَمِکَ،

مرا نشو و نما دادی و پیش از این نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت

فابْتَدَعْتَ خَلْقی مِنْ مَنِیٍّ یُمْنی، وَاَسْکَنْتَنی فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ، بَیْنَ لَحْمٍ

که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت

وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنی خَلْقی، وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَیَّ شَیْئاً مِنْ اَمْری، ثُمَّ

و خون و پوست و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس

اَخْرَجْتَنی لِلَّذی سَبَقَ لی مِنَ الْهُدی اِلَی الدُّنْیا تآمّاً سَوِیّاً، وَحَفِظْتَنی

بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

فِی الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِیّاً، وَرَزَقْتَنی مِنَ الْغِذآءِ لَبَناً مَرِیّاً، وَعَطَفْتَ عَلَیَّ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران رابر من مهربان

قُلُوبَ الْحَواضِنِ، وَکَفَّلْتَنی الاُْمَّهاتِ الرَّواحِمَ، وَکَلاَْتَنی مِنْ طَوارِقِ

کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان نگهداریم کردی

الْجآنِّ، وَسَلَّمْتَنی مِنَ الزِّیادَةِ وَالنُّقْصانِ، فَتَعالَیْتَ یا رَحیمُ یا رَحْمنُ،

و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده

حَتّی اِذَا اسْتَهْلَلْتُ ناطِقاً بِالْکَلامِ، اَتْمَمْتَ عَلَیَّ سَوابِغَ الاِْنْعامِ، وَرَبَّیْتَنی

تا آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی

زایِداً فی کُلِّ عامٍ، حَتّی إذَا اکْتَمَلَتْ فِطْرَتی، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتی، اَوْجَبْتَ

هر ساله زیادتر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَیَّ حُجَّتَکَ، بِاَنْ اَلْهَمْتَنی مَعْرِفَتَکَ، وَرَوَّعْتَنی بِعَجائِبِ حِکْمَتِکَ،

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَاَيْقَظْتَنى لِما ذَرَأْتَ فى سَمآئِكَوَاَرْضِكَ مِنْ بَدائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنى

و بيدارم كردى بدانچه آفريدى در آسمان و زمينت از پديده هاى آفرينشت و آگاهم كردى

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَاَوجَبْتَ عَلَىَّ طاعَتَكَ وَعِبادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنى ما جآءَتْ

به سپاسگزارى و ذكر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب كردى و آنچه

بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لى تَقَبُّلَ مَرْضاتِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَىَّ فى جَميعِ ذلِكَ

رسولانت آورده بودند به من فهماندى و پذيرفتن موجبات خشنوديت را برايم آسان كردى و در تمام اينها

بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ اِذْ خَلَقْتَنى مِنْ خَيْرِالثَّرى، لَمْ تَرْضَ لى يا اِلهى نِعْمَةً

به يارى و لطف خود بر من منّت نهادى سپس به اين كه مرا از بهترين خاكها آفريدى راضى نشدى اى معبود من كه تنها از نعمتى

دُونَ اُخرى، وَرَزَقْتَنى مِنْ اَنواعِ الْمَعاشِ، وَصُنُوفِ الرِّياشِ، بِمَنِّكَ

برخوردار شوم و از ديگرى منع گردم بلكه روزيم دادى از انواع (نعمتهاى) زندگى و اقسام لوازم كامرانى و اين بواسطه آن نعمت بخشى

الْعَظيمِ الاَعْظَمِ عَلَىَّ، وَ اِحْسانِكَ الْقَديمِ اِلَىَّ، حَتّى اِذا اَتْمَمْتَ عَلَىَّ

بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن احسان ديرينه ات بود نسبت به من تا اين كه تمام نعمتها را بر من كامل كردى

جَميعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنّى كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلى وَجُرْأَتى عَلَيْكَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختى باز هم نادانى و دليرى من بر من جلوگيرت نشد

اَنْ دَلَلْتَنى اِلى ما يُقَرِّبُنى اِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنى لِما يُزْلِفُنى لَدَيْكَ، فَاِنْ دَعَوْتُكَ

از اين كه راهنماييم كردى بدانچه مرا به تو نزديك كند و موفقم داشتى بدانچه مرا به درگاهت مقرّب سازد كه اگر بخوانمت

اَجَبْتَنى، وَاِنْ سَئَلْتُكَ اَعْطَيْتَنى، وَاِنْ اَطَعْتُكَ شَكَرْتَنى، وَاِنْ شَكَرْتُكَ

پاسخم دهى و اگر بخواهم از توبه من عطا كنى و اگر اطاعتت كنم قدردانى كنى و اگر سپاسگزاريت كنم

زِدْتَنى، كُلُّ ذلِكَ اِكْمالٌ لاَنْعُمِكَ عَلَىَّ، وَاِحْسانِكَ اِلَىَّ، فَسُبْحانَكَ

بر من بيفزايى و همه اينها براى كامل ساختن نعمتهاى تو است بر من و احسانى كه به من دارى پس منزهى تو،

سُبْحانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعيد حَميد مَجيد، تَقَدَّسَتْ اَسْمآؤُكَ، وَعَظُمَتْ

منزه که آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است

الاؤُكَ، فَأَىُّ نِعَمِكَ يا اِلهى اُحْصى عَدَداً وَذِكْراً، أَمْ اَىُّ عَطاياكَ أَقُومُ بِها

نعمتهای تو پس ای معبود من کدام یك از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدام یك از عطاهایت به

شُكْراً، وَهِىَ يا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعآدُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا

سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش

الْحافِظُونَ، ثُمَّ ما صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّى اللّهُمَّ مِنَ الضُرِّ وَالضَّرّآءِ، اَكْثَرُ

حافظان بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده

مِمّا ظَهَرَ لى مِنَ الْعافِيَةِ وَالسَّرّآءِ.

از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی.

وَاَ نَا اَشْهَدُ يا اِلهى بِحَقيقَةِ ايمانى، وَعَقْدِ عَزَماتِ يَقينى، وَخالِصِ

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته استو توحید خالص

صَريحِ تَوْحيدى، وَباطِنِ مَكْنُونِ ضَميرى، وَعَلائِقِ مَجارى نُورِ

و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم و رشته های دید نور

بَصَرى، وَاَساريرِ صَفْحَةِ جَبينى، وَ خُرْقِ مَسارِبِ نَفْسى، وَ خَذاريفِ

چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم و رخنه های راههای تنفسم و پرده های

مارِنِ عِرْنينى، وَ مَسارِبِ سِماخِ سَمْعى، وَ ما ضُمَّتْ وَ اَطْبَقَتْ عَلَيْهِ

نرمه بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد

شَفَتایَ، وَ حَرَکاتِ لَفْظِ لِسانی، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمی وَفَكّی، وَ مَنابِتِ

بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فك بالای) دهان و آرواره ام

اَضْراسی، وَ مَساغِ مَطْعَمی وَ مَشْرَبی، وَحِمالَةِ اُمِّ رَأْسی، وَ بُلُوعِ فارِغِ

و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراك و آشامیدنیهایم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به

حَبآئِلِ عُنُقی، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَیْهِ تامُورُ صَدْری، وَ حمائِلِ حَبْلِ وَتینی،

رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم

وَ نِیاطِ حِجابِ قَلْبی، وَ أَفْلاذِ حَواشی کَبِدی، وَ ما حَوَتْهُ شَراسیفُ

و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای

اَضْلاعی، وَ حِقاقُ مَفاصِلی، وَقَبْضُ عَوامِلی، وَاَطْرافُ اَنامِلی،

دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و

وَلَحْمی وَ دَمی، وَشَعْری وَ بَشَری، وَ عَصَبی وَ قَصَبی، وَ عِظامی وَ مُخّی

گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم

وَ عُرُوقی، وَ جَمیعُ جَوارِحی، وَ مَا انْتَسَجَ عَلی ذلِكَ اَیّامَ رِضاعی، وَ ما

و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران شیرخوارگیم و آنچه را

اَقلَّتِ الاَرْضُ مِنّی، وَ نَوْمی وَ یَقْظَتی وَسُکُونی، وَ حَرَکاتِ رُکُوعی

زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرمیدنم و حرکتهای رکوع و

وَسُجُودی، اَنْ لَوْ حاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَی الاَعصارِ وَ الاَحْقابِ، لَوْ

سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین

عُمِّرْتُها اَنْ أُؤَدِّیَ شُکْرَ واحِدَة مِنْ أَنْعُمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذلِكَ اِلاَّ بِمَنِّكَ

عمری بکنم و بخواهم شکریکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که

الْمُوجَبِ عَلَیَّ بِهِ شُکْرُكَ اَبَداً جَدیداً، وَ ثَنآءً طارِفاً عَتیداً، اَجَلْ، وَ لَوْ

آن خود واجب کند بر من سپاسگزاریت را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر

حَرَصْتُ اَنَا وَالْعآدُّونَ مِنْ اَنامِكَ، أَنْ نُحْصِیَ مَدی اِنْعامِكَ سالِفِهِ وَ انِفِهِ،

حریص باشم من و حسابگران از مخلوقت که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده

ما حَصَرْناهُ عَدَداً، وَ لا اَحْصَیناهُ اَمَداً، هَیْهاتَ أَنّی ذلِكَ، وَ اَنْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو خود

فی کِتابِكَ النّاطِقِ، وَ النَّبَأِ الصّادِقِ: وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها.

در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد»

صَدَقَ کِتابُكَ اللّهُمَّ وَاِنْبآؤُكَ، وَ بَلَّغَتْ اَنْبِیآؤُكَ وَ رُسُلُكَ ما اَنْزَلْتَ عَلَیْهِمْ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش

مِنْ وَحْیِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دینِكَ. (18)

فرو فرستادی و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود.

غَیْرَ أَنّی یا اِلهی اَشْهَدُ بِجَهْدی وَ جِدّی، وَ مَبْلَغِ طاعَتی وَ وُسْعی، وَ أَقُولُ

جز این که معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسایی طاعت و وسعم و از

مُؤْمِناً مُوقِناً، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً فَیَکُونَ مَوْرُوثاً، وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ

روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزاست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش

شَريكٌ فى مُلْكِهِ فَيُضآدَّهُ فيمَا ابْتَدَعَ، وَ لا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فيما

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدّیت کنند در آنچه پدید آوردو نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند

صَنَعَ، فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ، لَوْ کانَ فیهِما اِلهَةٌ اِلاَّ اللهُ لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا،

در آنچه بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحانَ اللهِ الْواحِدِ الاَحَدِ الصَّمَدِ، اَلَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ

منزه است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش

کُفُواً اَحَدٌ، اَلْحَمْدُ للهِ حَمْداً یُعادِلُ حَمْدَ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ، وَ اَنْبِیآئِهِ

همتایی هیچ کس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرّب او و پیمبران

الْمُرْسَلینَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلى خِیَرَتِهِ مُحَمَّد خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمّد خاتم پیمبران و آل پاك و

الطّاهِرینَ الْمُخلَصینَ، وَسَلَّمَ.

پاکیزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه حضرت، پس از ذکر آن همه اوصاف الهی و تسبیح و تقدیس پروردگار حاجت خود را عرضه داشت و در حالی که اشك از چشمان مبارکش سرازیر بود گفت:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی اَخْشاكَ کَاَنّی اَراكَ، وَاَسْعِدْنی بِتَقْویكَ، وَلا تُشْقِنی

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم

بِمَعْصِیَتِكَ، وَخِرْلی فی قَضآئِكَ، وَبارِكْ لی فی قَدَرِكَ، حَتّی لا اُحِبَّ

مکن و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارك گردان تا چنان نباشم که

تَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ، وَلا تَأْخیرَ ما عَجَّلْتَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنایَ فی نَفْسی،

تعجیل آنچه را تو پس انداخته ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته ای خدایا قرار ده بی نیازی در نفس من

وَالْیَقینَ فی قَلْبی، وَالاِخْلاصَ فی عَمَلی، وَالنُّورَ فی بَصَری، وَالْبَصیرَةَ

و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده ام و بینایی

فی دینی، وَمَتِّعْنی بِجَوارِحی، وَاجْعَلْ سَمْعی وَبَصَری اَلْوارِثَیْنِ مِنّی،

در دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ بسلامت باشند)

وَانْصُرْنی عَلی مَنْ ظَلَمَنی، وَاَرِنی فیهِ ثاری وَ مَآرِبی، وَاَقِرَّ بِذٰلِكَ

و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان و دیده ام را در این باره

عَیْنی، اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ کُرْبَتی، وَاسْتُرْ عَوْرَتی، وَاغْفِرْ لی خَطیئَتی، وَاخْسَأْ

روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم بیامرز و شیطان

شَیْطانی، وَفُكَّ رِهانی، وَاجْعَلْ لی یا اِلٰهی الدَّرَجَةَ الْعُلْیا فِی الْاٰخِرَةِ

و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گِرو بِرَهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت

وَالاُولی، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ کَما خَلَقْتَنی، فَجَعَلْتَنی سَمیعاً بَصیراً، وَلَكَ

و در دنیا خدایا حمد تو راست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی

الْحَمْدُ كَما خَلَقْتَنى، فَجَعَلْتَنى خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بى، وَقَدْ كُنْتَ عَنْ

و ستایش تو راست که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که تو از

خَلْقى غَنِيّاً، رَبِّ بِما بَرَأْتَنْى فَعَدَّلْتَ فِطْرَتى، رَبِّ بِما اَنْشَأْتَنى

خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آن طور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی
پروردگارا به آن طور که بوجودم آوردی و

فَاَحْسَنْتَ صُورَتى، رَبِّ بِما اَحْسَنْتَ اِلَيَّ وَفى نَفْسى عافَيْتَنى، رَبِّ بِما

صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آن طور که به من احسان کردی وعافیتم دادی پروردگارا آن چنانکه

كَلاَْتَنى وَوَفَّقْتَنى، رَبِّ بِما اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنى، رَبِّ بِما اَوْلَيْتَنى وَمِنْ

مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آن چنانکه بر من انعام کرده و هدایتم فرمودی پروردگارا
چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از

كُلِّ خَيْر اَعْطَيْتَنى، رَبِّ بِما اَطْعَمْتَنى وَسَقَيْتَنى، رَبِّ بِما اَغْنَيْتَنى

هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آن چنانکه مرا خوراندی و نوشاندی پروردگارا آن چنانکه بی نیازم کردی

وَاَقْنَيْتَنى، رَبِّ بِما اَعَنْتَنى وَاَعْزَزْتَنى، رَبِّ بِما اَلْبَسْتَنى مِنْ سِتْرِكَ

و سرمایه ام دادی پروردگارا آن چنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی پروردگارا آن چنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی

الصّافى، وَ يَسَّرْتَ لى مِنْ صُنْعِكَ الْكافى، صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد،

و از مصنوعاتت به حد کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام کردی) درود فرست بر محمّد و آل محمّد و

وَاَعِنّى عَلى بَوآئِقِ الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّيالى وَ الْاَيّامِ، وَنَجِّنى مِنْ

کمکم ده بر پیش آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای

اَهْوالِ الدُّنْيا وَكُرُباتِ الاْخِرَةِ، وَاكْفِنى شَرَّ ما يَعْمَلُ الظّالِمُونَ فى

دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما

الْاَرْضِ، اَللّهُمَّ ما اَخافُ فَاكْفِنى، وَما اَحْذَرُ فَقِنى، وَ فى نَفْسى وَ دينى

خدايا از آنچه مى ترسم كفايتم كن و از آنچه برحذرم، نگاهم دار و خودم و دينم

فَاحْرُسْنى، وَ فى سَفَرى فَاحْفَظْنى، وَ فى اَهْلى وَ مالى فَاخْلُفْنى، وَ فيما

را حفظ كن و در سفر محافظتم كن و در خانواده و مالم جانشين من باش و در آنچه

رَزَقْتَنى فَبارِكْ لى، وَ فى نَفْسى فَذَلِّلْنى، وَ فى اَعْيُنِ النّاسِ فَعَظِّمْنى،

روزيم كرده اى بركت ده و مرا در پيش خودم خوار كن و در چشم مردم بزرگم كن و

وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْنى، وَ بِذُنُوبى فَلا تَفْضَحْنى، وَ بِسَريرَتى

از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوايم مكن و به انديشه هاى باطنم

فَلا تُخْزِنى، وَ بِعَمَلى فَلا تَبْتَلِنى، وَ نِعَمَكَ فَلا تَسْلُبْنى، وَ اِلى غَيْرِكَ فَلا

سرافكنده ام مكن و به كردارم دچارم مساز و نعمتهايت را از من مگير و بجز خودت به ديگرى

تَكِلْنى، اِلهى اِلى مَنْ تَكِلُنى، اِلى قَريب فَيَقْطَعُنى، اَمْ اِلى بَعيد

واگذارم مكن خدايا به كه واگذارم مى كنى آيا به خويشاوندى كه از من بِبُرَد يا بيگانه اى كه مرا از خود دور كند يا

فَيَتَجَهَّمُنى، اَمْ اِلَى الْمُسْتَضْعَفينَ لى وَاَنْتَ رَبّى، وَمَليكُ اَمْرى، اَشْكُو

به كسانى كه خوارم شمرند و تويى پروردگار من و زمامدار كار من بسوى

اِلَيْكَ غُرْبَتى، وَ بُعْدَ دارى، وَهَوانى عَلى مَنْ مَلَّكْتَهُ اَمْرى، اِلهى فَلا

تو شكايت آرم از غربت خود و دورى خانه ام و خواريم نزد كسى كه زمامدار كار من كردى خدايا پس

تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلا اُبالى سُبْحانَكَ غَيْرَ

خشم خود را بر من مبار و اگر بر من خشم نكرده باشى باكى ندارم منزهى تو جز اين كه

اَنَّ عافِيَتَكَ اَوْسَعُ لى، فَاَسْئَلُكَ يا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى اَشْرَقَتْ لَهُ

در عين حال عافيت تو وسيعتر است براى من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت كه روشن شد بدان

الاَرْضُ وَالسَّمواتُ، وَ كُشِفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ، وَ صَلُحَ بِهِ اَمْرُ الاْوَّلينَ

زمين و آسمانها و برطرف شد بدان تاريكيها و اصلاح شد بدان كار اوّلين

وَالاْخِرينَ، اَنْ لا تُميتَنى عَلى غَضَبِكَ، وَلا تُنْزِلَ بى سَخَطَكَ، لَكَ

و آخرين كه مرا بر حال غضب خويش نميرانى و خشمت را بر من نازل مفرمايى مؤاخذه

الْعُتْبى لَكَ الْعُتْبى(19) حَتّى تَرْضى قَبْلَ ذلِك، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ.

و بازخواست حق توست تا گاهى كه پيش از آن راضى شوى معبودى جز تو نيست.

رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتيقِ الَّذى اَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ،

كه پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه كعبه اى آن خانه اى كه بركت را بدان نازل كردى

وَجَعَلْتَهُ لِلنّاسِ اَمْناً، يا مَنْ عَفا عَنْ عَظيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يا مَنْ اَسْبَغَ

و آن را براى مردمان خانه امنى قرار دادى اى كسى كه از گناهان بزرگ به بردبارى خود درگذرى اى كه نعمتها را به

النَّعْماءَ بِفَضْلِهِ، يا مَنْ اَعْطَى الْجَزيلَ بِكَرَمِهِ، يا عُدَّتى فى شِدَّتى، يا

فضل خود فراوان گردانى اى كه عطاياى شايان را به كرم خود بدهى اى ذخيره ام در سختى اى

صاحِبى فى وَحْدَتى، يا غِياثى فى كُرْبَتى، يا وَلِيّى فى نِعْمَتى، يا اِلـهى

رفيق و همدمم در تنهايى اى فريادرس من در گرفتارى اى ولى من در نعمتم اى معبود من

وَاِلـهَ آبائى، اِبْراهيمَ وَاِسْماعيلَ، وَاِسْحقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَئيلَ

و معبود پدرانم ابراهيم و اسمعيل و (معبود) اسحاق و يعقوب و پروردگار جبرئيل

وَميكائيلَ وَاِسْرافيلَ، وَربَّ مُحَمَّد خاتِمِ النَّبِيّينَ، وَ آلِهِ الْمُنْتَجَبينَ،

و میکائیل و اسرافیلو پروردگار محمّد خاتم پیمبران و آل برگزیده اش

وَمُنْزِلَ التَّوراةِ وَالاِنْجيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقانِ، وَمُنَزِّلَ كهيعص، وَطه

و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده کهیعص و طه

وَيس، وَالْقُرآنِ الْحَكيمِ، اَنْتَ كَهْفى حينَ تُعْيِينِى الْمَذاهِبُ فى سَعَتِها،

و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده ام کنند راهها با همه وسعتی که دارند

وَتَضيقُ بِىَ الاَرْضُ بِرُحْبِها، وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهالِكينَ، وَاَنْتَ

و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاك شده بودم و تویی

مُقيلُ عَثْرَتى، وَلَوْلا سَتْرُكَ اِيّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحينَ، وَ اَنْتَ مُؤَيِّدى

نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلّماً من از رسواشدگان بودم و تویی که

بِالنَّصْرِ عَلى اَعْدآئى، وَ لَوْ لا نَصْرُكَ اِيّاىَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبينَ، يا مَنْ

به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تومن مغلوب شده بودم ای که

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرِّفْعَةِ، فَاَوْليآئُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ، يا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ

مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که

الْمُلُوكُ نيرَ الْمَذَلَّةِ عَلى اَعْناقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ، يَعْلَمُ خائِنَةَ

پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سَطَوَتَش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت)

الاَعْيُنِ وَما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ ما تَأْتى بِهِ الاَزْمِنَةُ وَالدُّهُورُ، يا مَنْ

چشمها و آنچه را سینه ها پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگارهاست ای که

لا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلاَّ هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ ما هُوَ اِلاَّ هُوَ، يا مَنْ لا يَعْلَمُهُ اِلاَّ

نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز

هُوَ(20)، يا مَنْ كَبَسَ الاَرْضَ عَلَى الْماۤءِ، وَسَدَّ الْهَوآءَ بِالسَّماۤءِ، يا مَنْ لَهُ

خود او ای که زمین را بر آب فرو بُردی و هوا را به آسمان بستی ای که

اَكْرَمُ الاَسْماۤءِ، يا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذى لا يَنْقَطِعُ اَبَداً، يا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ

گرامی ترین نامها از اوست ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِيُوسُفَ فِى الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكاً، يا رادَّهُ عَلى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْناهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظيمٌ، يا

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آن که دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود ای

كاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوى عَنْ اَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَىْ اِبْراهيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ،

برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش

بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَناۤءِ عُمُرِهِ، يا مَنِ اسْتَجابَ لِزَكَرِيّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيى، وَلَمْ

پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و

يَدَعْهُ فَرْداً وَحيداً، يا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يا مَنْ فَلَقَ

او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای که شکافت

الْبَحْرَ لِبَنى اِسْرآئيلَ فَاَنْجاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقينَ، يا

دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان دادو فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای

مَنْ اَرْسَلَ الرِّياحَ مُبَشِّرات بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ، يا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلى مَنْ

که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب)

عَصاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يا مَنِ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ

نافرمانان از خلق خود ای که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان

غَدَوْا فى نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حآدُّوهُ وَنآدُّوهُ،

بودند که متنعّم به نعمتهای خدا بودند که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يا اَللهُ يا اَللهُ يا بَدئُ، يا بَديعاً لا نِدَّ لَكَ، يا دآئِماً لا نَفادَ لَكَ،

و رسولانش را تکذیب می کردند ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری

يا حَيّاً حينَ لا حَىَّ، يا مُحْيِىَ الْمَوْتى، يا مَنْ هُوَ قآئِمٌ عَلى كُلِّ نَفْس بِما

ای زنده در آنگاه که زنده ای نبودای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه

كَسَبَتْ، يا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرى فَلَمْ يَحْرِمْنى،وَعَظُمَتْ خَطيئَتى فَلَمْ

انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندك است ولی محروم نکند و خطایم بزرگ است ولی

يَفْضَحْنى، وَ رَانى عَلَى الْمَعاصى فَلَمْ يَشْهَرْنى، يا مَنْ حَفِظَنى فى

رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش بیند ولی پرده ام ندرد ای که مرا در

صِغَرى، يا مَنْ رَزَقَنى فى كِبَرى، يا مَنْ اَياديهِ عِنْدى لا تُحْصى، وَنِعَمُهُ

کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش

لا تُجازى، يا مَنْ عارَضَنى بِالْخَيْرِ وَالاِحْسانِ، وَعارَضْتُهُ بِالاِسائَةِ

را تلافی ممکن نباشد ای که روبه رو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی

وَالْعِصْيانِ، يا مَنْ هَدانى لِلاْيمانِ مِنْ قَبْلِ اَنْ اَعْرِفَ شُكْرَ الاْ ِمْتِنانِ، يا

و گناه روبه رو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آن که بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که

مَنْ دَعَوْتُهُ مَريضاً فَشَفانى، وَعُرْياناً فَكَسانى، وَجائِعاً فَاَشْبَعَنى،

خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد

وَعَطْشاناً فَاَرْوانى، وَذَليلاً فَاَعَزَّنى، وَجاهِلاً فَعَرَّفَنى، وَوَحيداً

و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی

فَكَثَّرَنى، وَغائِباً فَرَدَّنى، وَمُقِلاًّ فَاَغْنانى، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنى، وَغَنِيّاً فَلَمْ

و او فزونی جمعیت داد و در دوری و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمك خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او

يَسْلُبْنى، وَاَمْسَكْتُ عَنْ جَميعِ ذلِكَ فَابْتَدَاَنى، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يا

از من سلب نفرمود و (هنگامی که) از همه این خواسته ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن توست حمد و سپاس ای

مَنْ اَقالَ عَثْرَتى، وَ نَفَّسَ كُرْبَتى، وَ اَجابَ دَعْوَتى، وَ سَتَرَ عَوْرَتى،

که لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و

وَغَفَرَ ذُنُوبى، وَ بَلَّغَنى طَلِبَتى، وَ نَصَرَنى عَلى عَدُوّى، وَ اِنْ اَعُدَّ نِعَمَكَ

گناهانم را آمرزید و به خواسته ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها و

وَمِنَنَكَ وَكَرائِمَ مِنَحِكَ لا اُحْصيها، يا مَوْلاىَ اَنْتَ الَّذى مَنَنْتَ، اَنْتَ الَّذى

عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منّت نهادی و این تویی که

اَنْعَمْتَ، اَنْتَ الَّذى اَحْسَنْتَ، اَنْتَ الَّذى اَجْمَلْتَ، اَنْتَ الَّذى اَفْضَلْتَ، اَنْتَ

نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی بخشیدی این تویی

الَّذی اَکْمَلْتَ، اَنْتَ الَّذی رَزَقْتَ، اَنْتَ الَّذی وَفَّقْتَ، اَنْتَ الَّذی اَعْطَیْتَ،

که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی که عطا کردی

اَنْتَ الَّذی اَغْنَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اَقْنَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اوَیْتَ، اَنْتَ الَّذی کَفَیْتَ،

این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این تویی که کفایت کردی

اَنْتَ الَّذی هَدَیْتَ، اَنْتَ الَّذی عَصَمْتَ، اَنْتَ الَّذی سَتَرْتَ، اَنْتَ الَّذی

این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی که

غَفَرْتَ، اَنْتَ الَّذی اَقَلْتَ، اَنْتَ الَّذی مَکَّنْتَ، اَنْتَ الَّذی اَعْزَزْتَ، اَنْتَ

آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که عزت بخشیدی این تویی

الَّذی اَعَنْتَ، اَنْتَ الَّذی عَضَدْتَ، اَنْتَ الَّذی اَیَّدْتَ، اَنْتَ الَّذی نَصَرْتَ،

که کمك کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی

اَنْتَ الَّذی شَفَیْتَ، اَنْتَ الَّذی عافَیْتَ، اَنْتَ الَّذی اَکْرَمْتَ، تَبارَکْتَ

این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و

وَتَعالَیْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دآئِماً، وَلَكَ الشُّکْرُ واصِباً اَبَداً، ثُمَّ اَنَا یا اِلهی

برتری از توست و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تواست و اما من ای معبودم

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی، اَ نَا الَّذی اَسَأْتُ، اَ نَا الَّذی اَخْطَأْتُ، اَ نَا

کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بیامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم

الَّذی هَمَمْتُ، اَ نَا الَّذی جَهِلْتُ، اَنَا الَّذی غَفَلْتُ، اَنَا الَّذی سَهَوْتُ، اَنَا

که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم

الَّذِی اعْتَمَدْتُ، اَنَا الَّذی تَعَمَّدْتُ، اَ نَا الَّذی وَعَدْتُ، وَ اَ نَاالَّذی اَخْلَفْتُ،

که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربد) تعمّد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم

اَ نَا الَّذی نَکَثْتُ، اَ نَا الَّذی اَقْرَرْتُ، اَ نَا الَّذِی اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَیَّ

این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم

وَعِنْدی، وَاَبُوءُ بِذُنُوبی فَاغْفِرْها لی، یا مَنْ لا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبادِهِ، و هُوَ

و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را بیامرز ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و

الْغَنِیُّ عَنْ طاعَتِهِمْ، وَالْمُوَفِّقُ مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ،

از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی

فَلَكَ الْحَمْدُ اِلـهی وَسَیِّدی، اِلـهی اَمَرْتَنی فَعَصَیْتُكَ، وَ نَهَیْتَنی فَارْتَکَبْتُ

پس تو راست ستایش ای معبود و آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم

نَهْیَكَ، فَاَصْبَحْتُ لا ذا بَرآءَة لی فَاَعْتَذِرُ، وَ لا ذا قُوَّة فَاَنْتَصِرُ، فَبِاَیِّ شَیْء

و اکنون به حالی افتاده ام که نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله

اَسْتَقْبِلُكَ یا مَوْلایَ، اَبِسَمْعی اَمْ بِبَصَری اَمْ بِلِسانی، اَمْ بِیَدی اَمْ بِرِجْلی،

با تو روبه رو شوم ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم

اَلَیْسَ کُلُّها نِعَمَكَ عِندی، وَ بِکُلِّها عَصَیْتُكَ یا مَوْلایَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت

وَالسَّبیلُ عَلَیَّ، یا مَنْ سَتَرَنی مِنَ الْاٰباءِ وَ الْاُمَّهاتِ اَنْ یَزْجُرُونی، وَ مِنَ

و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشائِرِ وَالاِخْوانِ اَنْ یُعَیِّرُونی، وَمِنَ السَّلاطینِ اَنْ یُعاقِبُونی، وَ لَوِ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا يا مَوْلاىَ عَلى مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّى اِذاً ما اَنْظَرُونى، وَ لَرَفَضُونى

آنها مطلع بودند اى مولاى من بر آنچه تو بر آن مطلعى از كار من در آن هنگام مهلتم نمى دادند و از خود دورم مى كردند

وَ قَطَعُونى، فَها اَنَا ذا يا اِلـهى بَيْنَ يَدَيْكَ، يا سَيِّدى خاضِعٌ ذَليلٌ حَصيرٌ

و از من مى بريدند و اينك خدايا اين منم كه در پيشگاهت ايستاده اى آقاى من با حال خضوع و خوارى و درماندگى و كوچكى

حَقيرٌ، لا ذُو بَرآئَة فَاَعْتَذِرُ، وَ لا ذُو قُوَّة فَاَنْتَصِرُ، وَلا ذُو حُجَّة فَاَحْتَجُّ

نه وسيله تبرئه جويى دارم كه پوزش طلبم و نه نيرويى كه يارى جويم و نه حجت و برهانى كه بدان چنگ زنم

بِها، وَلا قائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ وَ لَمْ اَعْمَلْ سُوءاً، وَ ما عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ

و نه مى توانم بگويم كه گناه نكرده ام و كجا مى تواند انكار فرضاً كه

جَحَدْتُ يا مَوْلاىَ يَنْفَعُنى، كَيْفَ وَ اَنّى ذلِكَ، وَ جَوارِحى كُلُّها شاهِدَةٌ

انكار كنم اى مولاى من سودم بخشد! چگونه؟ و كجا؟ با اين كه تمام اعضاى من گواهند

عَلَىَّ بِما قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ(21) يَقيناً غَيْرَ ذى شَكٍّ اَنَّكَ سآئِلى مِنْ عَظايِمِ

بر من به آنچه انجام داده و به يقين مى دانم و هيچ گونه شك و ترديدى ندارم كه تو از كارهاى بزرگ

الاُْمُورِ، وَ اَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذى لا تَجُورُ، وَ عَدْلُكَ مُهْلِكى، وَ مِنْ كُلِّ

از من پرسش خواهى كرد و تويى آن داور عادلى كه ستم نكند و همان عدالتت مرا هلاك كند و از تمام

عَدْلِكَ مَهْرَبى، فَاِنْ تُعَذِّبْنى يا اِلـهى فَبِذُنُوبى بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَىَّ، وَ اِنْ

عدالت تو مى گريزم اگر عذابم كنى خدايابواسطه گناهان من است پس از آن كه حجت بر من دارى و اگر

تَعْفُ عَنّى فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ

از من درگذرى پس به بردبارى و بخشندگى و بزرگوارى توست معبودى جز تو نيست منزهى تو و من

مِنَ الظّالِمينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرينَ، لا اِلهَ

از ستمکارانم معبودی جز تونیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی

اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى

جز تو نیست منزهی تو و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الْخآئِفينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْوَجِلينَ، لا اِلهَ

من از ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز

اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الرّاجينَ، لااِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى

تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من

كُنْتُ مِنَ الرّاغِبينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلينَ، لا اِلهَ

از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لااله الاالله) گویانم معبودی

اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ السّآئِلينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى

جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از

كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحينَ، لا اِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرينَ،

تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گویانم

لااِلهَ اِلاّٰ اَنْتَ، سُبْحانَكَ رَبّى وَرَبُّ ابآئِىَ الْاَوَّلينَ.

معبودی نیست جز تو منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من.

اَللّهُمَّ هذا ثَنائى عَلَيْكَ مُمَجِّداً، وَاِخْلاصى لِذِكْرِكَ مُوَحِّداً، وَاِقْرارى

خدایا این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِـالائِكَ مُعَدِّداً، وَاِنْ كُنْتُ مُقِرّاً اَنّى لَمْ اُحْصِها لِكَثْرَتِها وَسُبُوغِها

به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

وَتَظاهُرِها، وَتَقادُمِها اِلى حادِثٍ، ما لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنى بِهِ مَعَها مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جُستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی از آن ساعت که مرا آفریدی

خَلَقْتَنى، وَبَرَاْتَنى مِنْ اَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الاْ غْنآءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضُّرِّ،

از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی و گرفتاریم برطرف کردی

وَتَسْبيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفريجِ الْكَرْبِ، وَالْعافِيَةِ فِى الْبَدَنِ،

و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست

وَالسَّلامَةِ فِى الدّينِ، وَلَوْ رَفَدَنى عَلى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَميعُ الْعالَمينَ

و دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم تمام جهانیان

مِنَ الاْ وَّلينَ وَالاْخِرينَ، ما قَدَرْتُ وَلاهُمْ عَلى ذلِكَ، تَقَدَّسْتَ وَتَعالَيْتَ

از اوّلین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو و برتری

مِنْ رَبٍّ كَريمٍ عَظيمٍ رَحيمٍ، لا تُحْصى الاؤُكَ، وَلا يُبْلَغُ ثَنآؤُكَ، وَلا

از این که پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر نرسد

تُكافى نَعْمآؤُكَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاَتْمِمْ عَلَيْنا نِعَمَكَ،

و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمّد و آل محمّد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را

وَاَسْعِدْنا بِطاعَتِكَ، سُبْحانَكَ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَللّهُمَّ اِنَّكَ تُجيبُ الْمُضْطَرَّ،

و بوسیله اطاعت خویش سعادتمندمان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی دعای درمانده را

وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِى السَّقيمَ، وَتُغْنِى الْفَقيرَ،

و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را

وَتَجْبُرُ الْكَسيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغيرَ، وَتُعينُ الْكَبيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهيرٌ، وَلا

و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودك خردسال و یاری دهی به پیر کهنسالو جز تو پشتیبانی نیست و نه

فَوْقَكَ قَديرٌ، وَاَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبيرُ، يا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الاْسيرِ، يا رازِقَ

فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده

الطِّفْلِ الصَّغيرِ، يا عِصْمَةَ الْخائِفِ الْمُسْتَجيرِ، يا مَنْ لا شَريكَ لَهُ وَلا

کودك خردسال ای پناه شخص ترسانی که پناه جوید ای که شریك و

وَزيرَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَعْطِنى فى هذِهِ الْعَشِيَّةِ، اَفْضَلَ ما

وزیری برای او نیست درود فرست بر محمّد و آل محمّد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را

اَعْطَيْتَ وَاَنَلْتَ اَحَداً مِنْ عِبادِكَ، مِنْ نِعْمَة تُوليها، وَ الاء تُجَدِّدُها، وَبَلِيَّة

که عطا کردی و دادی به یکی از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که

تَصْرِفُها، وَكُرْبَة تَكْشِفُها، وَدَعْوَة تَسْمَعُها، وَحَسَنَة تَتَقَبَّلُها، وَسَيِّئَة

می گردانی و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناهانی که

تَتَغَمَّدُها، اِنَّكَ لَطيفٌ بِما تَشاءُ خَبيرٌ، وَعَلى كُلِّ شَىْء قَديرٌ، اَللّهُمَّ اِنَّكَ

بپوشانی که براستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هرچیز توانایی خدایا تو

اَقْرَبُ مَنْ دُعِىَ، وَاَسْرَعُ مَنْ اَجابَ، وَاَكْرَمُ مَنْ عَفى، وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطى،

نزدیکترین کسی هستی که خوانندت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوارتری و در عطابخشی عطایت از همه وسیعتر

وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يا رَحمنَ الدُّنْيا وَالاْخِرَةِ وَرحيمَهُما، لَيْسَ كَمِثْلِكَ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو

مَسْئُولٌ، وَلا سِواكَ مَاْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَنی، وَ سَئَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنی،

از او درخواست شود نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و

وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنی، وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنی، وَفَزِعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنی،

به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّد عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلی آلِهِ الطَّيِّبينَ

خدایا درود فرست بر محمّد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاك

الطّاهِرينَ اَجْمَعينَ، وَتَمِّمْ لَنا نَعْمآئَكَ، وَ هَنِّئْنا عَطآئَكَ، وَ اكْتُبْنا لَكَ

و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره سپاسگزارانت بنویس

شاكِرينَ، وَ لِالائِكَ ذاكِرينَ، امينَ امينَ رَبَّ الْعالَمينَ، اَللّٰهُمَّ يا مَنْ مَلَكَ

و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که مالك آمد

فَقَدَرَ، وَ قَدَرَ فَقَهَرَ، وَ عُصِیَ فَسَتَرَ، وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ، يا غايَةَ الطّالِبينَ

و توانا، و تواناست و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان

الرّاغِبينَ، وَ مُنْتَهی اَمَلِ الرّاجينَ، يا مَنْ اَحاطَ بِكُلِّ شَیْء عِلْماً، وَوَسِعَ

مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش به هر چیز احاطه دارد

الْمُسْتَقيلينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْماً.

و رأفت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته.

اَللّٰهُمَّ اِنّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فی هذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتی شَرَّفْتَها وَعَظَّمْتَها، بِمُحَمَّد

خدایا ما رو به درگاه تو آوریم در این شبی که آن را شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمّد

نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَمينِكَ عَلى وَحْيِكَ، اَلْبَشيرِ

پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده

النَّذيرِ، اَلسِّراجِ الْمُنيرِ، اَلَّذى اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً

و ترساننده و آن چراغ تابناك آن که بوسیله اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت

لِلْعالَمينَ، اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، كَما مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِذلِكَ

عالمیان قرارش دادی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه محمّد نزد تو شایسته

مِنْكَ يا عَظيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى آلِهِ الْمُنْتَجَبينَ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ

آن است ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاك و پاکیزه اش

اَجْمَعينَ، وَتَغَمَّدْنا بِعَفْوِكَ عَنّا، فَاِلَيْكَ عَجَّتِ الاَصْواتُ بِصُنُوفِ اللُّغاتِ،

همگی و بپوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش) بسوی تو بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللّهُمَّ فى هذِهِ الْعَشِيَّةِ، نَصيباً مِنْ كُلِّ خَيْر تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبادِكَ،

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره ای از هر خیری که میان بندگانت تقسیم فرمایی

وَنُور تَهْدى بِهِ، وَرَحْمَة تَنْشُرُها، وَبَرَكَة تُنْزِلُها، وَعافِيَة تُجَلِّلُها، وَرِزْق

و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آن را و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بپوشانی و روزی و رزقی که

تَبْسُطُهُ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللّهُمَّ اَقْلِبْنا فى هذَا الْوَقْتِ مُنْجِحينَ

پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام پیروزمند و

مُفْلِحينَ، مَبْرُورينَ غانِمينَ،وَلاتَجْعَلْنا مِنَ الْقانِطينَ، وَلا تُخْلِنا مِنْ

رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از رحمتت دست خالیمان

رَحْمَتِكَ، وَلا تَحْرِمْنا ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلا تَجْعَلْنا مِنْ رَحْمَتِكَ

مفرما و محروممان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده

مَحْرُومينَ، وَلا لِفَضْلِ ما نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطآئِكَ قانِطينَ، وَلا تَرُدَّنا خائِبينَ،

و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که آرزومندیم و ناکام بازِمان مگردان و

وَلا مِنْ بابِكَ مَطْرُودينَ، يا اَجْوَدَ الْاَجْوَدينَ، وَاَكْرَمَ الْاَكْرَمينَ، اِلَيْكَ

از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین بخشندگان و کریمترین کریمان ما با

اَقْبَلْنا مُوقِنينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرامِ امّينَ قاصِدينَ، فَاَعِنّا عَلى مَناسِكِنا،

یقین به درگاه تو روآوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدین جا) آمدیم پس کمك ده ما را بر انجام مناسك حج

وَاَكْمِلْ لَنا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنّا(22) وَعافِنا، فَقَدْ مَدَدْنا اِلَيْكَ اَيْدِيَنا، فَهِىَ بِذِلَّةِ

و حجمان را کامل گردان و از ما درگذر و تندرستمان دار زیرا که مابسوی تو دو دست (نیاز)دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری

الْاِعْتِرافِ مَوْسُومَةٌ، اَللّهُمَّ فَاَعْطِنا فى هذِهِ الْعَشِيَّةِ ما سَئَلْناكَ، وَاكْفِنا مَا

اعتراف به گناه نشاندار شده خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آن را خواستیم زیرا

اسْتَكْفَيْناكَ، فَلا كافِىَ لَنا سِواكَ، وَلا رَبَّ لَنا غَيْرُكَ، نافِذٌ فينا حُكْمُكَ،

کفایت کننده ای جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت

مُحيطٌ بِنا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فينا قَضآؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنا مِنْ اَهْلِ

به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی ازروی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل

الْخَيْرِ، اَللّهُمَّ اَوْجِبْ لَنا بِجُودِكَ عَظيمَ الاَجْرِ، وَكَريمَ الذُّخْرِ، وَدَوامَ

خیر قرارمان ده خدایا واجب گردان برای ما از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی

الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا اَجْمَعِينَ، وَلا تُهْلِكْنا مَعَ الْهالِكِينَ، وَلا تَصْرِفْ

همیشگی و بیامرز گناهان ما را همگی و در زمره هلاك شدگان بدست هلاکتمان مسپار و

عَنّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنا فِی هذَا الْوَقْتِ

مهر و رأفتت را از ما باز مگردان ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت

مِمَّنْ سَئَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتابَ اِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ

از کسانی که از تو درخواست کرده و عطا فرموده ای و شکر تو را بجا آورده و نعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و پذیرفته ای

مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّها فَغَفَرْتَها لَهُ، يا ذَاالْجَلالِ وَالاِكْرامِ، اَللّهُمَّ وَ نَقِّنا(23) وَ سَدِّدْنا،

و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان

وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنا، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، يا مَنْ لا

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که ازاو درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مِهر خواهند ای که

يَخْفى عَلَيْهِ اِغْماضُ الْجُفُونِ، وَلا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلا مَا اسْتَقَرَّ فِی

بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

الْمَكْنُونِ، وَلا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَراتُ الْقُلُوبِ، اَلا كُلُّ ذلِكَ قَدْ اَحْصاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها رادانش تو شماره کرده

عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحانَكَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً

و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند

كَبِيراً، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمواتُ السَّبْعُ وَالاَرَضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَاِنْ مِنْ شَیْء

برتری بسیاری، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست و چیزی نیست

اِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يا ذَاالْجَلالِ

جز آن که به ستایش تو تسبیح کند پس تو راست ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت

وَالاْ ِكْرامِ، وَالْفَضْلِ وَالاِنْعامِ، وَالاَيادِی الْجِسامِ، وَاَنْتَ الْجَوادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَريمُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ، اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ، وَعافِنی

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود و عافیتم بخش

فی بَدَنی وَ دینی، وَ امِنْ خَوْفی، وَ اَعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، اَللّهُمَّ لا تَمْكُرْ

در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن خدایا مرا به مکر خود

بی، وَلا تَسْتَدْرِجْنی، وَلا تَخْدَعْنی، وَ ادْرَءْ عَنّی شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالاِنْسِ

دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرّ تبهکاران جن و انس را از من دور کن

آنگاه سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و در حالی که از دیده های مبارکش اشك فراوان سرازیربود، با صدای بلند گفت:

یا اَسْمَعَ السّامِعینَ، یا اَبْصَرَ النّاظِرینَ، وَیا اَسْرَعَ

ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین

الْحاسِبینَ، وَیا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد السّادَةِ

حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمّد و آل محمّد آن آقایان

الْمَیامینِ، وَاَسْئَلُكَ اللّهُمَّ حاجَتِیَ الَّتی اِنْ اَعْطَیْتَنیها لَمْ یَضُرَّنی ما

فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی دیگر هر چه را از من

مَنَعْتَنی، وَاِنْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعْنی ما اَعْطَیْتَنی، اَسْئَلُكَ فَكاكَ رَقَبَتی مِنَ

دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از

النّارِ، لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ اَنْتَ

آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که شریك نداری از توست فرمانروایی و از توست ستایش و تویی که

عَلى کُلِّ شَیْء قَدیرٌ، یا رَبِّ یا رَبِّ.

بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.

جمله یا ربّ را به طور مکرّر می گفت و کسانی که اطراف آن حضرت بودند، به دعای ایشان گوش می دادند و تنها آمین می گفتند و همراه آن حضرت صداهایشان به گریه بلند بود; تا آنگاه که آفتاب غروب کرد و همگی به سوی «مشعرالحرام» حرکت کردند.
مرحوم (سیّد بن طاووس) در (اقبال)، پس از جمله «یا ربّ، یا ربّ، یا ربّ»، فراز دیگری را نیز آورده است که چنین است:(24)

اِلهی اَنَا الْفَقیرُ فی غِنایَ، فَکَیْفَ لا اَکُونُ فَقیراً فی فَقْری، اِلهی اَنَا

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستیم خدایا من

الْجاهِلُ فی عِلْمی، فَکَیْفَ لا اَکُونُ جَهُولاً فی جَهْلی، اِلهی اِنَّ اخْتِلافَ

نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی خدایا براستی اختلاف

تَدْبیرِکَ وَسُرْعَةَ طَوآءِ مَقادیرِکَ، مَنَعا عِبادَکَ الْعارِفینَ بِکَ عَنِ السُّکُونِ

تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان عارف تو که به

اِلی عَطآء، وَالْیَأْسِ مِنْکَ فی بَلاء، اِلهی مِنّی ما یَلیقُ بِلُؤْمی، وَمِنْکَ ما

عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه

یَلیقُ بِکَرَمِکَ، اِلهی وَصَفْتَ نَفْسَکَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لی قَبْلَ وُجُودِ

شایسته بزرگواری توست خدایا توخود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آن که

ضَعْفی، اَفَتَمْنَعُنی مِنْهُما بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفی، اِلهی اِنْ ظَهَرَتِ الْمَحاسِنُ

ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک

مِنّی فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَیَّ، وَاِنْ ظَهَرَتِ الْمَساوی مِنّی فَبِعَدْلِكَ،

از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منّتی است بر من و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد

وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَیَّ، اِلهی کَیْفَ تَکِلُنی وَقَدْ تَکَفَّلْتَ لی، وَکَیْفَ اُضامُ وَاَنْتَ

و تو را بر من حجت است خدایا چگونه مرا وا می گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با این که تو

النّاصِرُ لی، اَمْ کَیْفَ اَخیبُ وَاَنْتَ الْحَفِیُّ بی، ها اَنَا اَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ بِفَقْری

یاور منی یا چگونه ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم

اِلَیْكَ، وَکَیْفَ اَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ بِما هُوَ مَحالٌ اَنْ یَصِلَ اِلَیْكَ، اَمْ کَیْفَ اَشْکُو

و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم

اِلَیْكَ حالی وَهُوَ لا یَخْفی عَلَیْكَ، اَمْ کَیْفَ اُتَرْجِمُ بِمَقالی وَهُوَ مِنَكَ بَرَزٌ

با این که حال من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُروز کرده

اِلَیْكَ، اَمْ کَیْفَ تُخَیِّبُ امالی وَهِیَ قَدْ وَفَدَتْ اِلَیْكَ، اَمْ کَیْفَ لا تُحْسِنُ

به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با این که به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی

اَحْوالی وَبِكَ قامَتْ، اِلهی ما اَلْطَفَكَ بی مَعَ عَظیمِ جَهْلی، وَما اَرْحَمَكَ بی

با این که احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با

مَعَ قَبیحِ فِعْلی، اِلهی ما اَقْرَبَكَ مِنّی وَاَبْعَدَنی عَنْكَ، وَما اَرْاَفَكَ بی، فَمَا

این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با این همه که تو نسبت به من مهربانی پس آن چیست

الَّذی یَحْجُبُنی عَنْكَ، اِلهی عَلِمْتُ بِاخْتِلافِ الْآثارِ وَتَنَقُّلاتِ الْاَطْوارِ،

که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار بدست آورده ام

اَنَّ مُرادَكَ مِنّی اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَیَّ فی کُلِّ شَیْءٍ، حَتّی لا اَجْهَلَكَ فی شَیْءٍ،

مقصود تو از من آن است که خود را در هرچیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم

اِلٰهى كُلَّما اَخْرَسَنى لُؤْمى اَنْطَقَنى كَرَمُكَ، وَكُلَّما ايَسَتْنى اَوْصافى

خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آن را گویا می کند و هراندازه اوصاف من مرا مأیوس می کند

اَطْمَعَتْنى مِنَنُكَ، اِلٰهى مَنْ كانَتْ مَحاسِنُهُ مَساوِىَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ

نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آن کس که کارهای خوبش کار بد باشد پس چگونه کار

مَساويهِ مَساوِىَ، وَمَنْ كانَتْ حَقايِقُهُ دَعاوِىَ، فَكَيْفَ لاتَكُونُ دَعاويهِ

بدش بد نباشد و آن کس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش

دَعاوِىَ، اِلٰهى حُكْمُكَ النّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكا لِذى مَقال

ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گوینده ای فرصت گفتار

مَقالاً، وَلا لِذى حال حالاً، اِلٰهى كَمْ مِنْ طاعَة بَنَيْتُها، وَحالَة شَيَّدْتُها،

نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حال به جای ننهد خدایا چه بسیار طاعتی که پایه گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم

هَدَمَ اعْتِمادى عَلَيْها عَدْلُكَ، بَلْ اَقالَنى مِنْها فَضْلُكَ، اِلٰهى اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنّى

ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تو می دانی

وَاِنْ لَمْ تَدُمِ الطّاعَةُ مِنّى فِعْلاً جَزْماً، فَقَدْ دامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْماً، اِلٰهى كَيْفَ

که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه

اَعْزِمُ وَاَنْتَ الْقاهِرُ، وَكَيْفَ لا اَعْزِمُ وَاَنْتَ الاْمِرُ، اِلٰهى تَرَدُّدى فِى الاْثارِ

تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با این که تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو

يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزارِ، فَاجْمَعْنى عَلَيْكَ بِخِدْمَة تُوصِلُنى اِلَيْكَ، كَيْفَ

راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه

يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِما هُوَ فى وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ اِلَيْكَ، اَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ

استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به توست و آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری

ما لَيْسَ لَكَ، حَتّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتى غِبْتَ حَتّى تَحْتاجَ اِلى

هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد تو کِی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم

دَليل يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتى بَعُدْتَ حَتّى تَكُونَ الاْثارُ هِىَ الَّتى تُوصِلُ

که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده ای تاآثار تو ما را به تو واصل گرداند

اِلَيْكَ، عَمِيَتْ عَيْنٌ لاتَراكَ عَلَيْها رَقيباً، وَخَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْد لَمْ تَجْعَلْ لَهُ

کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از

مِنْ حُبِّكَ نَصيباً، اِلهى اَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ اِلَى الاْثارِ، فَارْجِعْنى اِلَيْكَ

محبّت خویش به او بهره ای ندادی خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار)

بِكِسْوَةِ الاَنْوارِ، وَهِدايَةِ الاِسْتِبْصارِ، حَتّى اَرْجِعَ اِلَيْكَ مِنْها، كَما دَخَلْتُ

به پوششی از انوار و راهنمایی و از بینش جویی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم

اِلَيْكَ مِنْها مَصُونَ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ اِلَيْها، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الاْعْتِمادِ

بسویت از آنها که نهادم از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم

عَلَيْها، اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ قَديرٌ، اِلهى هذا ذُلّى ظاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهذا

که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این

حالى لا يَخْفى عَلَيْكَ، مِنْكَ اَطْلُبُ الْوُصُولَ اِلَيْكَ، وَبِكَ اَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ،

حال (تباه) من است که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم

فَاهْدِنى بِنُورِكَ اِلَيْكَ، وَاَقِمْنى بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، اِلهى عَلِّمْنى

پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمایی فرما و به یادآر مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به

مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنّى بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، اِلهى حَقِّقْنى بِحَقائِقِ

من از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدايا مرا به حقائق

اَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْلُكْ بى مَسْلَكَ اَهْلِ الْجَذْبِ، اِلهى اَغْنِنى بِتَدْبيرِكَ لى

نزديكان درگاهت بيارای و به راه اهل جذبه و شوقت ببر خدايا بی نياز كن مرا به تدبير خودت

عَنْ تَدْبيرى، وَبِاخْتِيارِكَ(25) عَنِ اخْتِيارى، وَاَوْقِفْنى عَلى مَراكِزِ

درباره ام از تدبير خودم و به اختيار خودت از اختيار خودم و بر جاهای بيچارگی و درماندگيم مرا واقف گردان

اضْطِرارى، اِلهى اَخْرِجْنى مِنْ ذُلِّ نَفْسى، وَطَهِّرْنى مِـنْ شَكّى

خدايا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاكم كن از شك

وَشِرْكى قَبْلَ حُلُولِ رَمْسى، بِكَ اَنْتَصِرُ فَانْصُرْنى، وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَلا

و شرك خودم پيش از آن كه داخل گورم گردم به تو ياری جويم پس تو هم ياريم كن و بر تو توكل كنم پس

تَكِلْنى، وَاِيّاكَ اَسْئَلُ فَلا تُخَيِّبْنى، وَفى فَضْلِكَ اَرْغَبُ فَلا تَحْرِمْنى،

مرا وامگذار و از تو درخواست كنم پس نااميدم مگردان و در فضل تو رغبت كرده ام پس محرومم مفرما

وَبِجَنابِكَ اَنْتَسِبُ فَلا تُبْعِدْنى، وَبِبابِكَ اَقِفُ فَلا تَطْرُدْنى، اِلهى تَقَدَّسَ

و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مكن و به درگاه تو ايستاده ام پس طردم مكن خدايا مبرّاست

رِضاكَ اَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنّى، اِلهى اَنْتَ الْغَنِىُّ

خشنودی تو از اين كه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممكن است من سبب آن گردم خدايا تو به

بِذاتِكَ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لا تَكُونُ غَنِيّاً عَنّى، اِلهى

ذات خود بی نيازی از اين كه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نياز نباشی خدايا

اِنَّ الْقَضآءَ وَالْقَدَرَ يُمَنّينى، وَاِنَّ الْهَوى بِوَثائِقِ الشَّهْوَةِ اَسَرَنى، فَكُنْ اَنْتَ

براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده پس تو

النَّصيرَ لى حَتّى تَنْصُرَنى وَتُبَصِّرَنى، وَاَغْنِنى بِفَضْلِكَ حَتّى اَسْتَغْنِىَ بِكَ

یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو

عَنْ طَلَبى، اَنْتَ الَّذى اَشْرَقْتَ الاَنْوارَ فى قُلُوبِ اَوْلِيآئِكَ، حَتّى عَرَفُوكَ

از طلب کردن بی نیاز شوم تویی که تاباندی انوار (معرفت) را در دل اولیایت تا این که تو را شناختند

وَوَحَّدُوكَ، وَاَنْتَ الَّذى اَزَلْتَ الاَغْيارَ عَنْ قُلُوبِ اَحِبّائِكَ، حَتّى لَمْ

و یگانه ات دانستند و تویی که اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا این که کسی را جز

يُحِبُّوا سِواكَ، وَلَمْ يَلْجَئُوا اِلى غَيْرِكَ، اَنْتَ الْمُوْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اَوْحَشَتْهُمُ

تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی نشوند و تویی مونس ایشان در آن جا که

الْعَوالِمُ، وَاَنْتَ الَّذى هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبانَتْ لَهُمُ الْمَعالِمُ، ماذا وَجَدَ مَنْ

عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و تویی که راهنماییشان کنی آنگاه که نشانه ها برایشان آشکار گردد چه دارد آن کس که تو را

فَقَدَكَ، وَمَا الَّذى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خابَ مَنْ رَضِىَ دُونَكَ بَدَلاً، وَلَقَدْ

گم کرده؟ و چه ندارد آن کس که تو را یافته است براستی محروم است آن کس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم

خَسِرَ مَنْ بَغى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً، كَيْفَ يُرْجى سِواكَ وَاَنْتَ ما قَطَعْتَ

زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو

اَذاقَ اَحِبّآئَهُ حَلاوَةَ الْمُؤانَسَةِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقينَ، وَيا مَنْ اَلْبَسَ

به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدایی که پوشاندی

اَوْلِيائَهُ مَلابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرينَ، اَنْتَ الذّاكِرُ قَبْلَ

بر اولیای خودت خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند تویی که یاد کنی پیش از آن که

الذّاكِرينَ، وَاَنْتَ الْبادى بِالاِحْسانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعابِدينَ، وَاَنْتَ الْجَوادُ

یاد کنندگان یادت کنند و تویی آغازنده به احسان قبل از آن که پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و توئی بخشنده

بِالْعَطآءِ قَبْلَ طَلَبِ الطّالِبينَ، وَاَنْتَ الْوَهّابُ ثُمَّ لِما وَهَبْتَ لَنا مِنَ

عطا پیش از آن که خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده ای از ما

الْمُسْتَقْرِضينَ، اِلهى اُطْلُبْنى بِرَحْمَتِكَ حَتّى اَصِلَ اِلَيْكَ، وَاجْذِبْنى بِمَنِّكَ

به قرض می خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصالت نائل گردم و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا

حَتّى اُقْبِلَ عَلَيْكَ، اِلهى اِنَّ رَجآئى لا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَاِنْ عَصَيْتُكَ، كَما اَنَّ

به تو رو کنم خدایا براستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه

خَوْفى لا يُزايِلُنى وَاِنْ اَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعَتْنِى الْعَوالِمُ اِلَيْكَ، وَقَدْ اَوْقَعَنى

ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده اند و

عِلْمى بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، اِلهى كَيْفَ اَخيبُ وَاَنْتَ اَمَلى، اَمْ كَيْفَ اُهانُ

آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم

وَعَلَيْكَ مُتَّكَلى، اِلهى كَيْفَ اَسْتَعِزُّ وَفِى الذِّلَّةِ اَرْكَزْتَنى، اَمْ كَيْفَ لا

با این که اعتمادم بر توست خدایا چگونه عزت جویم با این که در خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با این که

اَسْتَعِزُّ وَاِلَيْكَ نَسَبْتَنى، اِلهى كَيْفَ لا اَفْتَقِرُ وَاَنْتَ الَّذى فِى الْفُقَرآءِ

به خود مُنْتَسِبَم کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم با این که تو در نیازمندانم

اَقَمْتَنى، اَمْ كَيْفَ اَفْتَقِرُ وَاَنْتَ الَّذى بِجُودِكَ اَغْنَيْتَنى، وَاَنْتَ الَّذى لا اِلهَ

جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی که به جود و بخششت بی نیازم کردی و تویی که معبودی

غَیْرُکَ، تَعَرَّفْتَ لِکُلِّ شَیْء، فَما جَهِلَکَ شَیْءٌ، وَاَنْتَ الَّذی تَعَرَّفْتَ اِلَیَّ فی

جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیزو هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد و تویی که شناساندی خود را به من در

کُلِّ شَیْء، فَرَاَیْتُکَ ظاهِراً فی کُلِّ شَیْء، وَاَنْتَ الظّاهِرُ لِکُلِّ شَیْء، یا مَنِ

هر چیز و من تو را آشکار در هر چیز دیدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که

اسْتَوی بِرَحْمانِیَّتِهِ، فَصارَ الْعَرْشُ غَیْباً فی ذاتِهِ، مَحَقْتَ الْآثارَ بِالْآثارِ،

بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به آثار نابود کردی

وَمَحَوْتَ الاَغْیارَ بِمُحیطاتِ اَفْلاکِ الاَنْوارِ، یا مَنِ احْتَجَبَ فی

و اغیار را به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش

سُرادِقاتِ عَرْشِهِ عَنْ اَنْ تُدْرِکَهُ الاَبْصارُ، یا مَنْ تَجَلّی بِکَمالِ بَهآئِهِ

محتجب شد از این که دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الاِسْتِوآءَ، کَیْفَ تَخْفی وَاَنْتَ الظّاهِرُ، اَمْ کَیْفَ تَغیبُ

و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی با این که تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که

وَاَنْتَ الرَّقیبُ الْحاضِرُ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْء قَدیرٌ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَحْدَهُ.(26)

تو نگهبان و حاضری براستی تو بر هر چیز توانایی و ستایش مخصوص خداست تنها.

6ـ در پایان روز عرفه این دعا را بخوان:

یا رَبِّ إنَّ ذُنُوبی لا تَضُرُّکَ، وَاِنَّ مَغْفِرَتَکَ لی لا تَنْقُصُکَ، فَاَعْطِنی ما لا یَنْقُصُکَ، وَاغْفِرْ لی ما لایَضُرُّکَ.(27)

پروردگارا همانا گناهان من زیانی به تو نزند و محققاً آمرزش تو از من نقصانی به تو نرساند پس عطا کن به من آنچه را نقصانت نرساند و بیامرز برایم آنچه را زیانت نزند.

همچنین بخوان:

اَللّهُمَّ لا تَحْرِمْنی خَیْرَ ما عِنْدَكَ لِشَرِّ ما عِنْدی، فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنی

خدایا محروم مکن از آن خیری که نزد توست بخاطر آن شری که در پیش من است پس اگر تو به

بِتَعَبی وَنَصَبی، فَلا تَحْرِمْنی اَجْرَ الْمُصابِ عَلی مُصیبَتِهِ.(28)

رنج و خستگیم رحم نمی کنی پس محروم مدار از پاداش مصیبت دیده ای بر مصیبتش.

7ـ به هنگام غروب روز عرفه، دعای عشرات را بخوان که در بخش دعاهای معروف (صفحه 108) گذشت. این دعا که خواندنش در هر صبح و شام مستحب است، آن را در پایان روز عرفه نیز بخوان. مرحوم «سیّد بن طاووس» در اعمال روز عرفه، این دعا را ذکر کرده است.(29)

شب دهم

اعمال این شب عبارت است از :

1ـ احیای شب دهم ذی الحجّه که از شب های بابرکت و ارزشمندی است. نقل شده است که حضرت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) این شب را احیا می داشت.(1)

2ـ غسل کردن در این شب مستحب است.(2)

3ـ در این شب زیارت امام حسین(علیه السلام) مستحب است، و در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است که هر کس در چنین شبی امام حسین(علیه السلام) را زیارت کند، گناهانش آمرزیده می شود.(3)

4ـ در این شب این دعا را بخواند:

یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِیَّةِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّةِ، یا صاحِبَ الْمَواهِبِ السَّنِیَّةِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِهِ خَیْرِ الْوَرى سَجِیَّةً، وَ اغْفِرْ لَنا یا ذَالْعُلى فی هذِهِ الْعَشِیَّةِ.(4)

ای کسی که فضل و بخششت بر خلق دائمی است و ای آن که دو دست احسانت به عطابخشی باز است ای صاحب بخششهای ارجمند درود فرست بر محمّد و آلش که بهترین مردمند در سرشت و نهاد، و بیامرز ما را ای خدای بلند مرتبه در این شب.

روز دهم (روز عید قربان)

روز عید قربان از اعیاد مهمّ اسلامی است. این روز یادآور اخلاص و بندگی حضرت ابراهیم(علیه السلام)در برابر پروردگار خویش است، آن جا که فرمان حق برای ذبح اسماعیل صادر شد، و ابراهیم آن بنده فرمانبردار خداوند آماده اجرای این فرمان شد و اسماعیل را به قربانگاه برد و کارد بر حلقومش نهاد، ولی ندایی رسید که ای ابراهیم از عهده این آزمون الهی برآمدی! دست نگهدار که فرمانبرداری خویش را به درستی اثبات کرده ای.

جبرئیل همراه با «قوچی» فرود آمد و ابراهیم آن را قربانی کرد، و سنّت قربانی در منا از آن روز برقرار شد، این روز، روز عید و خوشحالی و سرور است. زیرا علاوه بر این که بنده ای مخلص از آزمونی دشوار، سربلند بیرون آمد و بندگی خویش را در پیشگاه خدای بزرگ ثابت کرد، گروه عظیمی از بندگان مخلص خدا به او تأسّی جسته، به زیارت خانه خدا می شتابند و مراسم منا و از جمله، قربانی را انجام می دهند.

اعمال روز عید قربان:

برای عید قربان اعمالی چند نقل شده است:

1ـ غسل کردن است که به گفته مرحوم «علاّمه مجلسی»، غسل در آن روز سنّت مؤکّد است تا آن جا که بعضی از علما آن را واجب دانسته اند.(1)

2ـ نماز عید قربان است و نحوه انجام آن، به همان کیفیّتی است که در نماز عید فطر گفته شد، و نماز عید قربان در زمان غیبت امام(علیه السلام)مطابق مشهور فقهای عظام، سنّت مؤکّد است.(2) (خواه به صورت جماعت خوانده شود یا فرادی).

3ـ مستحب است دعاهایی را که پیش از نماز عید و قبل از آن وارد شده است بخواند. به فرموده مرحوم «علاّمه مجلسی»، بهترین دعاها،دعای چهل و هشتم «صحیفه کامله سجّادیه» است که اوّلش این است: أَللّٰهُمَّ هذا يَومٌ مُبارَك و اگر دعای چهل و ششم را نیز بخواند بهتر است.(3)

4ـ خواندن دعای ندبه در این روز و سایر اعیاد مستحبّ است.(4)

5ـ قربانی کردن در این روز برای همه مستحبّ مؤکّد است و بسیار سفارش شده است، تا آن جا که برخی از علما آن را بر کسانی که توانايي دارند واجب دانسته اند و مستحب است بعد از نماز عید، کمی از گوشت آن بخورد.(5)

و نیز مستحبّ است هنگام قربانی این دعا را که از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است بخواند:

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الاَرْضَ، حَنیفاً مُسْلِماً وَ ما أنَا

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان ها و زمین را آفریده; من در ایمان خود خالصم و

مِنَ الْمُشْرِکینَ، إنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ

از مشرکان نیستم. نماز و قربانی و زندگی و مرگم برای خداوندی است که پروردگار

الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَ بِذلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ. اَللّهُمَّ مِنْكَ

جهانیان است. شریکی برای او نیست. من به این برنامه مأمور شدم و از مسلمانانم. خدایا از تو و

وَلَكَ، بِسْمِ اللّهِ وَاللّهُ اَکْبَرُ. اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی.(6)

برای توست. به نام خدا و خداوند بزرگتر است. خدایا از من قبول فرما.

(البتّه اگر به نیّت چند نفر قربانیِ مستحب انجام شود، بگوید: اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّا)

بسیار مناسب است افراد توانگر، در این روز قربانی نمایند و اکثر آن را به فقرا و نیازمندان انفاق کنند و به همسایگان و آشنایان نیز بدهند.

در روایتی است که امام صادق(علیه السلام) فرمود: امام علی بن الحسین و امام باقر(علیهم السلام) گوشت قربانی را سه قسمت می کردند; یك قسمت آن را به همسایگان می دادند و یك قسمت آن را به نیازمندان و قسمت سوم را برای اهل خانه نگه می داشتند.(7)

6ـ تکبیرات مشهور زیر را بگوید; برای کسانی که در این ایّام توفیق حضور در مراسم حج و صحرای «منی» را دارند، بعد از پانزده نماز این تکبیرها را می خوانند; از نماز ظهر روز عید، شروع کرده تا نماز صبح روز سیزدهم; ولی کسانی که در آن جا نیستند، بعد از ده نماز آنها را می خوانند، از نماز ظهر روز عید آغاز نموده، تا نماز صبح روز دوازدهم، و آن تکبیرها مطابق روایت کتاب شریف «کافی» چنین است:

اَللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ، لا اِلـهَ اِلاَّ اللّهُ وَ اللّهُ اَكْبَرُ، اَللّهُ اَكْبَرُ، و للّهِ الْحَمْدُ، اَللّهُ اَكْبَرُ عَلی

خدا بزرگتر از توصیف است معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است و ستایش خاص خداست خدا بزرگتر است بر آنچه

ما هَدانا; اَللّهُ اَكْبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهيمَةِ الاَنعامِ; وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلی ما أبْلانا.(8)

ما را راهنمایی کرد خدا بزرگتر است بر آنچه روزیمان کرد از چهار پایان انعام (شتر و گاو و گوسفند) و ستایش خاصّ خداست برای آن که آزمود ما را.

حدّاقل این تکبیرها را بعد از نماز در این ایّام، یکبار بگوید ولی اگر تکرار نماید، بهتر است، و حتّی اگر بعد از نوافل نیز بگوید خوب است.(9)

روز عید غدیر (روز هیجدهم)

فضیلت این روز:

روز هیجدهم ذی الحجّه، یادآور روز مهمّی در تاریخ است. روزی است که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) پس از انجام حج در سال دهم هجری به هنگام مراجعت به مدینه، مردم را در وادی «غدیر» جمع کرد و فرمان خدا یعنی نصب علی(علیه السلام) به امامت و ولایت بر امّت را به آنان ابلاغ کرد. و آن جا بود که آیه (اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُم، وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی، وَ رَضیتُ لَکُمُ الأسْلامَ دِیناً)(1) نازل شد. و خداوند با برگزیدن علی(علیه السلام) به امامت امّت، دین اسلام را کامل گردانید و دشمنان را ناامید و مأیوس ساخت. این روز را باید به حق از عظیم ترین اعیاد نامید، همان گونه که در روایات بر اهمّیّت فراوان این روز و برتری آن بر سایر اعیاد تأکید شده است.

در روایتی از امام رضا(علیه السلام) می خوانیم که فرمود: «روز قیامت، چهار روز را که زینت بسته اند به نزد عرش الهی آورند: روز عید اضحی (قربان) روز عید فطر، روز جمعه و روز عید غدیر. ولی در آن میان، روز عید غدیر، از نظر زیبایی، مانند ماه است میان ستارگان».(2)

در همان روایت، از این روز، به عنوان «عید اکبر» یاد شده است; روزی که گناهان شیعیان (توبه کار) امیر مؤمنان(علیه السلام) بخشیده می شود و این روز، روز شادی و سرور است، روزی است که در آن تبسّم بر چهره مؤمنان نقش می بندد.(3)

در روایت دیگری آمده است که از امام صادق(علیه السلام) پرسیدند: آیا برای مسلمانان غیر از عید فطر و عید اضحی (قربان) عید دیگری نیز وجود دارد؟ فرمود: آری. عیدی که از آن دو روز، باعظمت تر و شریفتر است، و آن روزی است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، علی(علیه السلام) را برای امامت امّت نصب فرمود و در روایت دیگر فرمود: آن روز هیجدهم ذی الحجّه است.(4)

بهر حال، شایسته است در این روز مسلمانان با تشکیل مجالس جشن و سرور و مدیحه سرایی و سخنرانی درباره روز عید غدیر و مسأله امامت امّت و مناقب و فضایل امیر مؤمنان(علیه السلام)، آن را گرامی بدارند و فرزندان و جوانان و نوجوانان خود را با مسأله ولایت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و منابع آن از کتاب و سنّت و تاریخ آشناتر سازند.

اعمال روز عید غدیر

برای این روز اعمال متعدّدی روایت شده است:

1ـ روزه گرفتن است که در روایتی از امام صادق(علیه السلام) روزه در چنین روزی برابر روزه شصت ماه شمرده شده! و در روایتی روزه روز غدیر خم کفّاره شصت سال است.(5)

2ـ مرحوم «شیخ کفعمی» در «بلدالامین» غسل این روز را مستحب دانسته است.(6)

3ـ احسان و نیکی به برادران مؤمن.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است که فرمود: این روز، روز عبادت است و روز اطعام و نیکی کردن و احسان به برادران دینی است.(7)

در روایت دیگری امام رضا(علیه السلام) فرمود: کسی که در این روز، به خانواده و برادران مؤمن خود، توسعه در رزق و بخششها و انفاق ها دهد خداوند روزی او را زیاد می گرداند.(8)

4ـ زیارت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) در این روز بسیار بافضیلت است.

در روایتی از ابن ابی نصر (یکی از یاران برجسته امام رضا(علیه السلام)) نقل شده است که حضرت به وی فرمود: هرجا که هستی سعی کن در روز عید غدیر، خود را به کنار قبر مطهّر امیرمؤمنان(علیه السلام)

برسانی، چراکه در این روز خداوند گناهان بسیاری از مردان و زنان مسلمان را می بخشد و دو برابر کسانی که خداوند آنها را در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر از دوزخ آزاد می کند، در چنین روزی از آتش جهنّم رهایی می دهد!(9)

برای امیر مؤمنان(علیه السلام) در این روز زیارت هایی نقل شده است که معروفترین آن، زیارت معروف «امین الله» است که در بخش زیارات (صفحه 260) گذشت و می توان آن را از نزدیك و یا از راه دور، خطاب به امیرمؤمنان(علیه السلام) خواند و همچنین زیارت مخصوصه امیرمؤمنان در روز عید غدیر که در صفحه 280 گذشت.

5ـ امام رضا(علیه السلام) فرمود: در چنین روزی که روز عید و تبریك گفتن به یکدیگر است، مناسب است مؤمنان وقتی به یکدیگر می رسند این جملات را بگویند:

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکینَ بِوِلایَةِ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ وَالاَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ.(10)

ستایش خاص خدایی است که قرار داد ما را از تمسك جویان به ولایت امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام.

6ـ در چنین روزی وقتی برادر مؤمنت را ملاقات کردی بگو:

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی اَکْرَمَنا بِهذَا الْیَوْمِ، وَجَعَلَنا مِنَ الْمُؤْمِنینَ، وَجَعَلَنا مِنَ

ستایش خاص خدایی است که گرامی داشت ما را به این روز و قرارمان داد از ایمان آورندگان و قرارمان داد از

الْمُوفینَ بِعَهْدِهِ اِلَیْنا، وَمیثاقِهِ الَّذی واثَقَنا بِهِ، مِنْ وِلایَةِ وُلاةِ اَمْرِهِ،

وفاکنندگان به عهدی که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او

وَالْقُوّامِ بِقِسْطِهِ، وَلَمْ یَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدینَ وَالْمُکَذِّبینَ بِیَوْمِ الدّینِ.(11)

و برپادارندگان عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا.

7ـ دعای ندبه را در این روز بخواند(12)، که در بخش دعاهای معروف (صفحه 189) گذشت.

8ـ مرحوم «سیّد بن طاووس» به سند صحیح از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که در روز غدیر، دو رکعت نماز بخوان، پس از نماز به سجده برو و صد مرتبه خدا را شکر کن (مثلاً بگو: شکراً لِلّه) و سر از سجده بردار و این دعا را بخوان:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ، وَاَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ

خدایا از تو درخواست کنم بدان که از برای توست ستایش یگانه ای که شریك نداری و تویی یکتای یگانه ای

صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ یَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ، وَاَنَّ مُحَمّداً عَبْدُكَ

بی نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت همتایی هیچ کس و براستی محمّد بنده

وَرَسُولُكَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مَنْ هُوَ كُلَّ یَوْم فی شَأْن، كَما كانَ مِنْ

و رسول توست درودهای تو بر او و آلش باد ای که هر روز درکاری هستی چنانچه از

شَأْنِكَ اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ، بِاَنْ جَعَلْتَنی مِنْ اَهْلِ اِجابَتِكَ، وَاَهْلِ دینِكَ

شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به این که مرا از اهل اجابتت و از اهل دینت

وَاَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَوَفَّقْتَنی لِذلِكَ فی مُبْتَدَءِ خَلْقی، تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكَرَماً

و اهل دعوتت قرار دادی و موفقم داشتی بدان در آغاز آفرینشم از روی تفضل و کرم

وَجُوداً، ثُمَّ اَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ جُوداً، وَالْكَرَمَ كَرَماً، رَأْفَةً

و بخششت سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دگر و این بخشش را به بخششی دگر و این کرم را به کرمی دگر که آن هم

مِنْكَ وَرَحْمَةً، اِلی اَنْ جَدَّدْتَ ذلِكَ الْعَهْدَ لی تَجْدیداً بَعْدَ تَجْدیدِكَ

از روی مهر و رحمتت بود تا بدان جا که تازه کردی این عهد را برایم از نو پس از تجدید

خَلْقی، وَكُنْتُ نَسْیاً مَنْسِیّاً ناسِیاً ساهِیاً غافِلاً، فَاَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِاَنْ

آفرینشم در صورتی که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی خبرو غفلت پس تو نعمتت را بر من تمام کردی به این که آن را به

ذَكَّرْتَنی ذلِكَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَیْتَنی لَهُ، فَلْیَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ یا اِلهی

یادم انداختی و بدان بر من منّت نهادی و بر آن راهنماییم کردی پس همچنان باید از شأن تو باشد ای معبود

وَسَيِّدى وَمَولاىَ اَنْ تُتِمَّ لى ذلِكَ، وَلاتَسْلُبَنيهِ حَتّى تَتَوَفّانى عَلى ذلِكَ،

و آقا و مولای من که تمام کنی برایم آن نعمت را و از من سلب نفرمایی آن را تا هنگامی که بمیرانیم بر آن

وَاَنتَ عَنّى راض، فَاِنَّكَ اَحَقُّ الْمُنعِمينَ اَنْ تُتِمَّ نِعمَتَكَ عَلَىَّ، اَللّـهُمَّ

در حالی که تو از من خشنود باشی که براستی تو سزاوارترین نعمت بخشانی که نعمتت را بر من به پایان رسانی خدایا

سَمِعْنا وَاَطَعْنا وَاَجَبْنا داعِيَكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرانَكَ رَبَّنا وَاِلَيْكَ

شنیدیم و پیروی کردیم و خواننده ات را اجابت کردیم به لطف تو پس از آن توست حمد و آمرزشت را خواهانیم پروردگارا و به سوی توست

الْمَصيرُ، امَنّا بِاللّهِ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّد صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ

بازگشت ایمان داریم به خدای یگانه ای که شریك ندارد و به رسولش محمّد صلی الله علیه و

وَآلِهِ،وَصَدَّقْنا وَاَجَبْنا داعِىَ اللّهِ،وَاتَّبَعْنَاالرَّسُولَ فى مُوالاةِ مَوْلينا وَمَوْلَى

آله و تصدیق کردیم و اجابت کردیم داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولایمان و مولای

الْمُؤْمِنينَ، اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِىِّ بْنِ اَبيطالِب، عَبْدِاللّهِ وَاَخى رَسُولِهِ،

مؤمنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او

وَالصِّدّيقِ الاْكْبَرِ، وَالْحُجَّةِ عَلى بَرِيَّتِهِ، اَلْمُؤَيِّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدينَهُ الْحَقَّ

و صدیق اکبر و حجت او بر آفریدگانش آن که خداوند پیامبرش و دین حق

الْمُبينَ، عَلَماً لِدينِ اللّهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةَ غَيْبِ اللّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللّهِ،

آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین خدا و خزینه دار دانش او و گنجینه غیب خدا و جایگاه راز خدا

وَاَمينَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ، وَشاهِدَهُ فى بَرِيَّتِهِ، اَللّـهُمَّ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً

و امین خدا بر خلق او و گواه او در آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی

يُنادى لِلاْيمانِ، اَنْ امِنُوا بِرَبِّكُمْ فَـامَنّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَكَفِّرْ عَنّا

را که ندا می کرد برای ایمان (و می گفت) ایمان آورید به پروردگارتان پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بیامرز گناهانمان را و بدیهامان

سَيِّئاتِنا، وَتَوَفَّنا مَعَ الاَبْرارِ، رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ، وَلا

را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیران پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده دادی و

تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ، اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ، فَاِنّا يا رَبَّنا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ اَجَبْنا

در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو خلف وعده نمی کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو اجابت کردیم

داعِيَكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْناهُ، وَصَدَّقْنا مَوْلَى الْمُؤْمِنينَ، وَكَفَرْنا

داعی تو را و پیروی کردیم از رسول تو و تصدیقش کردیم و نیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را و کافر شدیم

بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ، فَوَلِّنا ما تَوَلَّيْنا، وَاحْشُرْنا مَعَ اَئِمَّتِنا، فَاِنّا بِهِمْ

به جبت و طاغوت (غاصبان حقوق آن حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم و با امامانمان محشورمان کن که براستی ما بدیشان

مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، امَنّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ، وَشاهِدِهِمْ

ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان و حاضرشان

وَغائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضينا بِهِمْ اَئِمَّةً وَقادَةً وَسادَةً، وَ حَسْبُنا بِهِمْ

و غایبشان و زنده شان و مرده شان و خشنودیم به امامتشان و آقاییشان و همانها ما را در

بَيْنَنا وَبَيْنَ اللهِ دُونَ خَلْقِهِ، لا نَبْتَغي بِهِمْ بَدَلاً، وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَليجَةً،

مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجوییم بجای ایشان بدلی ونگیریم جز ایشان همدمی (یا معتمدی)

وَبَرِئْنا اِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالاِنْسِ مِنَ الاَوَّلينَ

و بیزاری جوییم به درگاه خدا از هر که برپا کند در برابرشان جنگی از جن و انس از اوّلین

وَالاْخِرينَ، وَ كَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالأَوْثانِ الأَرْبَعَةِ، وَاَشْياعِهِمْ

و آخرین و کافر شدیم به جبت و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال روندگان

وَاَتْباعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالاِنْسِ، مِنْ اَوَّلِ الدَّهرِ اِلى آخِرِهِ،

و پیروانشان و هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار تا پایان آن

اَللّهُمَّ اِنّا نُشْهِدُكَ اَنّا نَدينُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ الُ مُحَمَّد، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

خدایا تو را گواه می گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمّد و آل محمّد درود خدا بر او

وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنا ما قالُوا، وَدينُنا ما دانُوا بِهِ، ما قالُوا بِهِ قُلْنا، وَما دانُوا بِهِ

و برایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بودند هرچه را آنان گفتند ما هم گفتیم و هرچه را آنان متدین شدند

دِنّا، وَما اَنْكَرُوا اَنْكَرْنا، وَمَنْ والَوْا والَيْنا، وَمَنْ عادَوْا عادَيْنا، وَمَنْ لَعَنُوا

ما هم شديم و هرچه را انكار كردند ما انكار كرديم و هركه را دوست داشتند دوست داريم و هر كه را دشمن دارند دشمن داريم و هر كه را لعن كردند

لَعَنّا، وَمَنْ تَبَرَّؤُا مِنْهُ تَبَرَّأْنا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنا عَلَيْهِ، آمَنّا وَ

لعن كنيم و از هر كه بيزارى جستند بيزارى جوئيم و بر هر كه ترحم كردند ترحم كنيم ايمان آورديم

سَلَّمْنا، وَ رَضينا وَ اتَّبَعْنا مَوالِيَنا صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ، اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنا ذلِكَ

و تسليم و خشنود گشتيم و پيروى كرديم از سرورانمان درودهاى خدا بر ايشان باد خدايا پس تو آن را براى ما تكميل كن

وَلاتَسْلُبْناهُ، وَ اجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا، وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً، وَاَحْيِنا

و از ما سلب مفرما و آن را پايگاهى ثابت در پيش ما قرار ده وپايگاه عاريت و موقتش قرار مده و زنده مان

ما اَحْيَيْتَنا عَلَيْهِ، وَاَمِتْنا اِذا اَمَتَّنا عَلَيْهِ، الُ مُحَمَّد اَئِمَّتُنا، فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيّاهُمْ

دار بر همان تا هرگاه كه زنده مان دارى و بميرانمان بر آن هرگاه ميراندى مان، آل محمّد پيشوايان مايند به آنها اقتدا كنيم و آنان را

نُوالى، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللهِ نُعادى، فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِى الدُّنْيا وَالاْخِرَةِ وَمِنَ

دوست داريم و دشمنشان را كه دشمن خداست دشمن داريم پس ما را در دنيا و آخرت با ايشان قرار ده و از

الْمُقَرَّبينَ، فَاِنّا بِذلِكَ راضُونَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

مقربان درگاهت گردان كه براستى ما به همان خشنوديم اى مهربانترين مهربانان.

پس از پايان دعا، بار ديگر به سجده برو و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شكراً للهِ بگو.

امام(عليه السلام) در ادامه فرمود: هر كس كه اين عمل را بجا آورد، پاداش كسى را دارد كه در روز غدير، نزد رسول خدا(صلى الله عليه وآله) بوده و با آن حضرت بيعت كرده است.(13) (مرحوم محدّث قمى مى گويد: بهتر است كه اين نماز نزديك ظهر انجام شود كه مقارن نصب حضرت على(عليه السلام)به خلافت بوده است).

9ـ از «شیخ مفید»(رحمه الله) نقل شده است که این دعا را در روز «غدیر» می خوانی:

اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد نَبِيِّكَ، وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ، وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذى

خدایا از تو درخواست کنم به حق محمّد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت و مرتبه ای که بدان

خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِكَ، اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّد وَعَلِيٍّ، وَاَنْ تَبْدَءَ بِهِما

وسیله آن دو را از سایر مخلوق خود اختصاص دادی که درود فرستی بر محمّد و علی و از آنان شروع کنی

فی كُلِّ خَيْر عاجِل، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد الاَئِمَّةِ الْقادَةِ،

در دادن هر خیری که فوری است خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد پیشوایان رهبر

وَالدُّعاةِ السّادَةِ، وَالنُّجُومِ الزّاهِرَةِ، وَالاَعْلامِ الْباهِرَةِ، وَساسَةِ الْعِبادِ،

و خوانندگان بزرگ و سرور و ستارگان درخشان و نشانه های فروزان و تدبیرکنندگان کار بندگان

وَاَرْكانِ الْبِلادِ، وَالنّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ، وَالسَّفينَةِ النّاجِيَةِ، اَلْجارِيَةِ فِى اللُّجَجِ

و پایه های جاهای آباد و ناقه فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاهای

الْغامِرَةِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، خُزّانِ عِلْمِكَ، وَاَرْكانِ

ژرف پرآب خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد گنجینه های دانشت و پایه های

تَوْحِيدِكَ، وَدَعآئِمِ دينِكَ، وَمَعادِنِ كَرامَتِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

محکم توحید تو و ستونهای دین تو و معدنهای کرامتت و برگزیدگان از خلقت

وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَلاَتْقِيآءِ النُّجَباءِ الاَبْرارِ، وَالْبابِ الْمُبْتَلى بِهِ

و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی که مورد ابتلای مردم است

النّاسُ، مَنْ اَتاهُ نَجى، وَمَنْ اَباهُ هَوى، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ

هر که بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سرباز زد سقوط کرد خدایا درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّد، اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذينَ اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ، وَذَوِى الْقُرْبَى الَّذينَ اَمَرْتَ

محمّد اهل ذکری که دستور فرمودی بپرسش مسائل از آنها و خویشاوندانی که دستور فرمودی

بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ اثارَهُمْ، اَللّهُمَّ

به دوست داشتنشان و حقشان را واجب کردی و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل) کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا

صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، كَما اَمَرُوا بِطاعَتِكَ، وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ،

درود فرست بر محمّد و آل محمّد چنانچه دستور پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند

وَدَلُّوا عِبادَكَ عَلى وَحْدانِيَّتِكَ، اَللّـهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّد نَبِيِّكَ

و بندگانت را به یگانگیت راهنمایی کردند خدایامن از تو می خواهم به حق محمّد پیامبرت

وَنَجيبِكَ، وَصَفْوَتِكَ وَاَمينِكَ، وَرَسُولِكَ اِلى خَلْقِكَ، وَبِحَقِّ

و گرامی و برگزیده و امین تو و فرستاده ات بسوی خلق و به حق

اَميرِالْمُؤْمِنينَ، وَيَعْسُوبِ الدّينِ، وَقآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، اَلْوَصِيِّ الْوَفِيِّ،

امیرمؤمنان و پیشوای دین و رهبر سفیدرویان آن وصی با وفا

وَالصِّدّيقِ الاْكْبَرِ، وَالْفارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، وَالشّاهِدِ لَكَ، وَالدّالِّ

و صدیق اکبر و جداکننده بین حق و باطل و گواه تو و راهنمایی کننده

عَلَيْكَ، وَالصّادِعِ بِاَمْرِكَ، وَالْمُجاهِدِ فى سَبيلِكَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فيكَ لَوْمَةُ

بر تو و آشکار کننده دستورت و جهادکننده در راهت آن که نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت

لائِمٍ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَجْعَلَنى فى هذَا الْيَوْمِ

ملامت کننده ای که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و مرا قرار دهی در این روزی

الَّذى عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ فى اَعْناقِ خَلْقِكَ، وَاَكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ

که بستی برای ولی خود پیمان (امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از

الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقِرّينَ بِفَضْلِهِ، مِنْ عُتَقآئِكَ وَطُلَقائِكَ مِنَ النّارِ،

عارفان به حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او و از آزادشدگان و رهاشدگانت از آتش

وَلا تُشْمِتْ بى حاسِدِى النِّعَمِ، اَللّـهُمَّ فَكَما جَعَلْتَهُ عيدَكَ الاْكْبَرَ،

و شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمتهایت خدایا چنانچه آن را عید بزرگ خود قرار داده ای

وَسَمَّيْتَهُ فِى السَّمآءِ يَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِى الاَرْضِ يَوْمَ الْميثاقِ

و نامیدی آن را در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفتن

الْمَاْخُوذِ، وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَقْرِرْ بِهِ

و انجمن بازخواست شده درود فرست بر محمّد و آل محمّد و روشن کن بوسیله اش دیدگان

عُيُونَنا، وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَلا تُضِلَّنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا، وَاجْعَلْنا لاِنْعُمِكَ مِنَ

ما را و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهمان مکن پس از آن که هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران

الشّاكِرِينَ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، اَلْحَمْدُ للهِ الَّذى عَرَّفَنا فَضْلَ هذَا الْيَوْمِ،

نعمتهایت ای مهربانترین مهربانان ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را

وَبَصَّرَنا حُرْمَتَهُ، وَكَرَّمَنا بِهِ، وَشَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدانا بِنُورِهِ، يا رَسُولَ

و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتمان کرد به نورش ای رسول

اللهِ يا اَميرَالْمُؤمِنينَ،عَلَيْكُما وَعَلى عِتْرَتِكُما وَعَلى مُحِبّيكُما مِنّى اَفْضَلُ

خدا ای امیرمؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما بهترین

السَّلامِ ما بَقِىَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ، وَبِكُما اَتَوَجَّهُ اِلَى اللهِ رَبّى وَرَبِّكُما فى

سلام و درود من باد تا برپاست شب و روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگارتان در

نَجاحِ طَلِبَتى، وَقَضاءِ حَوآئِجى، وَتَيْسيرِ اُمُورى، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم خدایا از تو خواهم

بِحَقِّ مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَلْعَنَ

به حق محمّد و آل محمّد که درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و لعنت کنی

مَنْ جَحَدَ حَقَّ هذَا الْيَوْمِ،وَاَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَنْ سَبيلِكَ لاِطْفآءِ نُورِكَ،

کسی را که انکار کند حق این روز را و انکار کند حرمتش را وجلوگیری کرد از راه تو برای خاموش کردن نورت

فَاَبَى اللهُ اِلاَّ اَنْ يُتِمَّ نُورَهُ، اَللّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّد نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ

ولی خدا هم نمی خواهد جز آن که نورش را آشکار کند خدایا گشایش ده به کار خاندان محمّد پیامبرت و برطرف کن

عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرُباتِ، اَللّهُمَّ امْلاَءِ الاَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً،

از ایشان و بوسیله ایشان از اهل ایمان گرفتاریها و محنتها راخدایا پرکن زمین رابوسیله ایشان از عدل و داد

كَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً، وَ اَنْجِزْلَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ، اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْميعادَ.(14)

چنانچه پر شده از ستم و بیداد و وفا کن برای آنها آنچه را وعده دادی به آنها که براستی تو خلف وعده نمی کنی.

10ـ به سبب عظمت روز (غدیر) و مبارکی و میمنت آن، مناسب است که برادران مؤمن، با یکدیگر در این روز، عقد اخوّت و برادری بخوانند و پیوند برادری و همکاری را میان خویش عمیق تر سازند. مرحوم «حاجی نوری» در «مستدرك الوسائل» می گوید: دست راست خود را بر دست راست برادر مؤمن خود بگذار و بگو:

واخَیْتُكَ فِی اللهِ، وَصافَیْتُكَ فِی اللهِ، وَصافَحْتُكَ فِی اللهِ، وَعاهَدْتُ اللهَ

برادر شدم با تو در راه خدا و دوست باصفایت شدم در راه خدا و مصافحه کردم با تو در راه خدا وعهد کردم با خدا

وَمَلائِكَتَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ وَاَنْبِیآئَهُ، وَالاَئِمَّةَ الْمَعْصُومینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ،

و فرشتگانش و کتابهایش و رسولانش وپیمبرانش و امامان معصومین علیهم السلام

عَلی اَنّی اِنْ كُنْتُ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الشَّفاعَةِ، وَاُذِنَ لی بِاَنْ اَدْخُلَ الْجَنَّةَ، لا اَدْخُلُها اِلاّ وَاَنْتَ مَعی

بر این که اگر من از اهل بهشت و اهل شفاعت بودم و اجازه ام دادند که داخل بهشت گردم داخل نشوم جز با تو

آنگاه برادر مؤمن می گوید:

قَبِلْتُ.

قبول کردم

آنگاه بگو:

اَسْقَطْتُ عَنْكَ جَمیعَ حُقُوقِ الاُخُوَّةِ، ما خَلاَ الشَّفاعَةَ وَ الدُّعآءَ وَ الزِّیارَةَ.(15)

و ساقط کردم از تو تمامی حقوق برادری را جز شفاعت و دعا و زیارت.

در این صورت، وقتی که طرف مقابل قبول کرد، برادر معنوی یکدیگر خواهند شد و چون وظیفه اخوّت بسیار سنگین است، همه حقوق برادری را جز زیارت، دعا و شفاعت به یکدیگر می بخشند.

روز بیست و چهارم (روز خاتم بخشی علی(ع) و روز مباهله)

بیست و چهارم ماه ذی الحجّه، یادآورِ دو خاطره مهمّ تاریخی در اسلام است:

1ـ روزی است که امیر مؤمنان علی(علیه السلام) در آن روز، در حال رکوع انگشتر خود را به سائل فقیر عنایت کرد; این عمل خالصانه و ایثارگرانه امیر مؤمنان(علیه السلام) بقدری پرارزش بود که آیه 55 سوره مائده در شأن آن نازل شد: «(إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ); سرپرست و ولیّ شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند; همانها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند!»(1)

جا دارد که مؤمنان با یادآوری این خاطره مهم و تفسیر آیه شریفه، و ذکر مناقب و فضایل امیرمؤمنان(علیه السلام)این روز را گرامی دارند و خود نیز در تصدّق و انفاق به فقرا و نیازمندان، به آن حضرت تأسّی جویند.

2ـ واقعه مهمّ دیگر «مباهله» رسول خدا با مسیحیان نجران است.(2)

پس از گفتگوی فراوان نصارای نجران با رسول خدا(صلی الله علیه وآله) درباره حضرت مسیح(علیه السلام) سرانجام علمای نصارا از پذیرفتن حق خودداری کردند و کار به مباهله کشیده شد. (مباهله یعنی نفرین کردن دو نفر نسبت به یکدیگر که هرکس ناحق می گوید گرفتار مجازات الهی شود).

براین امر توافق شد که در چنین روزی مسیحیان نجران با رسول خدا «مباهله» نمایند و نفرین کنند که هر گروه و جمعیّتی که ناحق می گوید، رسوا و مجازات شود.

خداوند طبق آیه 61 سوره آل عمران به پیغمبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: «(فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِن بَعدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْنائَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّهِ عَلَى الْكاذِبِينَ); هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره حضرت مسیح(علیه السلام)) به تو رسیده، کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را; ما زنان خویش را دعوت نماییم شما هم زنان خود را; ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود; آنگاه مباهله کنیم; و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

پیرو این دستور الهی، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در حالی که فرزندش حسین(علیه السلام) را در

آغوش داشت و دست حسن(علیه السلام) را در دست گرفته بود و علی و فاطمه(علیها السلام) نیز همراه او بودند، به سمت محلّ مباهله حرکت کرد. نصارا، چون چنین جمعیّتی و نشانه هایی را از نزدیک شدن کیفر الهی دیدند، وحشت کردند و از (مباهله) منصرف شدند و حاضر به پذیرفتن جزیه گردیدند.(3) این داستان نشانه دیگری از عظمت اهل بیت(علیهم السلام) و حقّانیّت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و دین اسلام است.

بنابراین، بسیار شایسته است مسلمانان در چنین روزی، با یادآوری و آگاهی بیشتر از این جریان، عظمت و بزرگی رسول خدا و اهل بیت پاکش را به خاطر آورند و بر معرفت خویش نسبت به آنان بیفزایند، و به شکرانه آن به نیازمندان انفاق کنند.

به هر حال، این روز، روز باعظمتی است که چند عمل برای آن نقل شده است:

1ـ این روز را به شکرانه این برکات بزرگ، روزه بدارد.(4)

2ـ غسل کند و بهترین لباسش را بپوشد و خود را معطّر نماید.(5)

3ـ نیم ساعت قبل از ظهر، دو رکعت نماز بخواند; در هر رکعتی یك مرتبه سوره «حمد» و ده بار سوره «قل هو الله احد»، ده بار «آیة الکرسی» و ده بار سوره «انّا انزلناه» را بخواند.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) برای این نماز پاداش فراوانی ذکر شده است.(6)

4ـ دعای روز «مباهله» را بخواند که از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است و آن چنین است:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ بَهآئِكَ بِاَبْهاهُ، وَ کُلُّ بَهآئِكَ بَهِیٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

خدایا از تو خواهم از درخشنده ترین مراتب درخشندگیت و همه مراتب آن درخشنده است خدایا از تو خواهم

بِبَهآئِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِاَجَلِّهِ، وَ کُلُّ جَلالِكَ جَلیلٌ،

به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت ترین مراتب جلالت و تمام مراتب جلال تو شوکتمند است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَلالِكَ کُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِاَجْمَلِهِ،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و

وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ،اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ،اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما

همه مراتب جمالت زیباست خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه

اَمَرْتَنی، فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ

دستورم دادی پس دعایم را به اجابت رسان چنانچه وعده ام دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین

بِاَعْظَمِها، وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ

مراتب عظمتت و همه مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا

اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِاَنْوَرِهِ، وَ كُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ

از تو خواهم از تابنده ترین مراتب روشنیت و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب روشنیت

كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها، وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ،

خدایا از تو خواهم از وسیع ترین مراتب رحمتت و همه رحمت تو وسیع است

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی،

خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو را می خوانم همچنانکه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِاَكْمَلِهِ، وَ كُلُّ

پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از کاملترین مراتب کمالت و تمام

كَمالِكَ كامِلٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب کمالت خدایا از تو خواهم از

كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها، وَ كُلُّ كَلِماتِكَ تآمَّةٌ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّهَا،

تمامترین کلمات و سخنانت و تمام کلماتت تام و تمام است خدایا از تو خواهم به کلماتت همگی

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمآئِكَ بِاَكْبَرِها، وَكُلُّ اَسْمآئِكَ كَبيرَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّى

خدايا از تو خواهم به بزرگترين نامهايت و همه نامهايت بزرگ است خدايا از

اَسْئَلُكَ بِاَسْمآئِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى، فَاسْتَجِبْ لى كَما

تو خواهم به نامهايت همگى خدايا من تو را مى خوانم چنانچه به من دستور دادى پس به اجابت رسان دعايم را

وَعَدْتَنى، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها، وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ،

چنانچه وعده ام فرمودى خدايا از تو خواهم به عزيزترين مراتب عزتت و همه مراتب تو عزيز است

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها،

خدايا از تو خواهم به همه مراتب عزتت خدايا از تو خواهم به گذراترين اراده و خواستت

وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

و همه مراتب اراده تو گذراست خدايا از تو خواهم به تمام مراتب اراده و خواستت خدايا از تو خواهم

بِقُدْرَتِكَ الَّتِى اسْتَطَلْتَ بِها عَلى كُلِّ شَىْءٍ، وَ كُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ، اَللّٰهُمَّ

بدان قدرتت كه بوسيله آن بر همه چيزبرترى گرفتى گرچه تمام مراتب قدرتت برترى گيرنده است خدايا

اِنّى اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى، فَاسْتَجِبْ لى

از تو خواهم به تمام مراتب قدرتت خدايا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادى تو هم اجابتم كن

كَما وَعَدْتَنى، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ،

چنانچه وعده فرمودى خدايا از تو خواهم از نافذترين مراتب دانشت با اين كه تمام مراتب دانشت نافذ است

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ، وَكُلُّ

خدايا از تو خواهم به مراتب دانشت همگى خدايا از تو خواهم از پسنديده ترين گفتارت و تمام

قَوْلِكَ رَضِیٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسآئِلِكَ

گفتار تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا از تو خواهم به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده

بِاَحَبِّهآ، وَكُلُّها اِلَیْكَ حَبیبَةٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَسآئِلِكَ كُلِّها، اَللّٰهُمَّ اِنّی

و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از تو خواهم به تمام آنچه از تو درخواست شده خدایا من

اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی، فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ

تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم به

شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ، وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَریفٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ،

شریفترین مراتب شرفت و تمامی مراتب شرف تو شریف است خدایااز تو خواهم به مراتب شرفت همگی

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ سُلْطانِكَ بِاَدْوَمِهِ، وَ كُلُّ سُلطانِكَ دآئِمٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی

خدایا از تو خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنتت و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از تو

اَسْئَلُكَ بِسُلْطانِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِاَفْخَرِهِ، وَ كُلُّ مُلْكِكَ

خواهم به مراتب سلطنتت همگی خدایا از تو خواهم به گرانمایه ترین مراتب فرمانروایيت و تمام مراتب فرمانروایيت

فاخِرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی،

گرانمایه است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب فرمانروایيت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَلائِكَ بِاَعْلاهُ، وَ كُلُّ

پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت و تمام

عَلائِكَ عال، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَلائِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ اياتِكَ

مراتب بلندی تو والاست خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت همگی خدایا از تو خواهم به

بِاَعْجَبِها، وَ كُلُّ اياتِكَ عَجيبَةٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاياتِكَ كُلِّها، اَللّهُمَّ اِنّى

شگفت ترین آیات و نشانه هایت و همه آیات تو شگفت است خدایا از تو خواهم به آیاتت همگی خدایا از

اَسْئَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ، وَ كُلُّ مَنِّكَ قَديمٌ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ،

تو خواهم به قدیمترین نعمتت و همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم به همه اقسام نعمتت

اَللّهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنى، فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى، اَللّهُمَّ اِنّى

خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا من از

اَسْئَلُكَ بِما اَنْتَ فيهِ مِنَ الشُّؤُونِ وَالْجَبَرُوتِ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِكُلِّ شَأْن

تو خواهم به آنچه تو در آنی از مقامات و قدرت و عظمتت خدایا از تو خواهم به حق هر مقام

وَكُلِّ جَبَرُوت، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِما تُجيبُنى بِهِ حينَ اَسْئَلُكَ، يا اَللّهُ يا لا

و هر قدرت و عظمتی که داری خدایا من از تو خواهم بدانچه اجابتم کنی بدان هنگامی که تورا خوانم ای خدا ای که

اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِبَهآءِ لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، يا لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِجَلالِ

معبودی جز تو نیست از تو خواهم به درخشندگی (یا ارجمندی) کلمه «لااله الا انت» ای که نیست
معبودی جز تو از تو خواهم به جلال

لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، يا لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْئَلُكَ بِلا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَللّهُمَّ اِنّى اَدْعُوكَ

و کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به کلمه «لااله الاانت» خدایا تو را خوانم

كَما اَمَرْتَنى، فَاسْتَجِبْ لى كَما وَعَدْتَنى، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ

چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده ام فرمودی خدایا از تو خواهم از عمومی ترین اقسام روزیت

بِاَعَمِّهِ، وَ كُلُّ رِزْقِكَ عآمٌّ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ، اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ

و تمام اقسام روزی تو عمومی است خدایا از تو خواهم به تمام اقسام روزی تو خدایا از تو خواهم

مِنْ عَطآئِكَ بِاَهْنَأِهِ، وَ كُلُّ عَطآئِكَ هَنيٌّ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَطآئِكَ كُلِّهِ،

از گواراترین عطایای تو و تمام عطاهایت گواراست خدایا از تو خواهم به تمام عطایایت

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ باَعْجَلِهِ، وَكُلُّ خَيْرِكَ عاجِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی

خدایا از تو خواهم به فوری ترین خیر و نیکیت و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا از

اَسْئَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِاَفْضَلِهِ، وَكُلُّ فَضْلِكَ

تو خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فزونترین فضل تو و همه فضل تو

فاضِلٌ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ، اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی،

فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَابْعَثْنی

پس اجابتم کن چنانچه وعده ام فرمودی خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و برانگیز مرا

عَلَى الايمانِ بِكَ، وَالتَّصْديقِ بِرَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ، وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ

با داشتن ایمان به خودت و تصدیق به رسولت که درود بر او و آلش باد و ولایت علی

بْنِ اَبيطالِب، وَ الْبَرائَةِ مِنْ عَدُوِّهِ، وَالْأيتِمامِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّد عَلَيْهِمُ

بن ابی طالب و بیزاری از دشمنش و اقتدا به امامان از آل محمّد علیهم

السَّلامُ، فَاِنّی قَدْ رَضيتُ بِذلِكَ يا رَبِّ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد عَبْدِكَ

السلام زیرا که من خشنودم بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمّد بنده

وَرَسُولِكَ فِی الْاَوَّلينَ، وَصَلِّ عَلى مُحَمَّد فِی الْاخِرينَ، وَصَلِّ عَلى

و رسولت در زمره اوّلین و درود فرست بر محمّد در زمره آخرین و درود فرست

مُحَمَّد فِی الْمَلاَءِ الاَعْلی، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّد فِی الْمُرْسَلینَ، اَللّهُمَّ اَعْطِ

بر محمّد در عالم بالا و درود فرست بر محمّد در زمره مرسلین خدایا عطا کن

مُحَمَّداً الْوَسیلَةَ، وَالشَّرَفَ وَالْفَضیلَةَ وَالدَّرَجَةَ الْکَبیرَةَ، اَللّهُمَّ صَلِّ

به محمّد مقام وسیله و شرف و فضیلت و درجه بزرگ را خدایا درود فرست

عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَقَنِّعْنی بِما رَزَقْتَنی، وَبارِكْ لی فیما اتَیْتَنی،

بر محمّد و آل محمّد و قانع کن مرا بدانچه روزیم کرده ای و برکت ده به من در آنچه به من داده ای

وَاحْفَظْنی فی غَیْبَتی، وَکُلِّ غائِب هُوَ لی، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ

و نگهداری کن مرا در غیبتم و هر غایبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمّد و آل

مُحَمَّد، وَابْعَثْنی عَلَی الایمانِ بِكَ، وَالتَّصْدیقِ بِرَسُولِكَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی

محمّد و برانگیزم بر ایمان به خودت و تصدیق به رسولت خدایا درود فرست بر

مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَسْئَلُكَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ

محمّد و آل محمّد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خشنودی تو و بهشت باشد و پناه برم به تو از

شَرِّ الشَرِّ سَخَطِكَ وَالنّارِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاحْفَظْنی

بدترین بدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمّد و آل محمّد و محافظت کن مرا

مِنْ کُلِّ مُصیبَة، وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّة، وَمِنْ کُلِّ عُقُوبَة، وَمِنْ کُلِّ فِتْنَة، وَمِنْ کُلِّ

از هر پیش آمد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر شکنجه و از هر فتنه و از هر

بَلاء، وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ کُلِّ مَکْرُوه، وَمِنْ کُلِّ مُصیبَة، وَمِنْ کُلِّ افَة،

بلا و از هر بدی و از هر ناراحتی و از هر مصیبت و از هر آفتی

نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ اِلَى الأَرْضِ فى هذِهِ السّاعَةِ، وَفى هذِهِ اللَّيْلَةِ،

که نازل شده یا بعد از این از آسمان بزمین نازل شود در این ساعت و در این شب

وَفى هذَا الْيَومِ، وَفى هذَا الشَّهْرِ، وَفى هذِهِ السَّنَةِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّد

و در این روز و در این ماه و در این سال خدایا درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّد، وَاقْسِمْ لى مِنْ كُلِّ سُرُور، وَمِنْ كُلِّ بَهْجَة، وَمِنْ كُلِّ اسْتِقامَة،

و آل محمّد و نصیبم کن از هر شادی و از هر خوشحالی و از هر پایداری

وَمِنْ كُلِّ فَرَج، وَمِنْ كُلِّ عافِيَة، وَمِنْ كُلِّ سَلامَة، وَمِنْ كُلِّ كَرامَة، وَمِنْ

و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از هر سلامتی و از هر کرامت و از

كُلِّ رِزْق واسِع حَلال طَيِّب، وَمِنْ كُلِّ نِعْمَة، وِمَنْ كُلِّ سَعَة، نَزَلَتْ اَوْ

هر روزی فراخ حلال پاکی و از هر نعمتی و از هر وسعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود

تَنْزِلُ مِنَ السَّمآءِ اِلَى الاَرْضِ فى هذِهِ السّاعَةِ، وَفى هذِهِ اللَّيْلَةِ، وَفى

از آسمان به زمین در این ساعت و در این شب و در

هذَا الْيَوْمِ، وَفى هذَا الشَّهْرِ، وَفى هذِهِ السَّنَةِ، اَللّهُمَّ اِنْ كانَتْ ذُنُوبى قَدْ

این روز و در این ماه و در این سال خدایا اگر چنانچه گناهانم

اَخْلَقَتْ وَجْهى عِنْدَكَ، وَحالَتْ بَيْنى وَبَيْنَكَ، وَغَيَّرَتْ حالى عِنْدَكَ،

شرمنده کرده است چهره ام را پیش تو و حائل شد میان من و تو و حالم را پیش تو تغییر داده

فَاِنّى اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذى لا يُطْفَأُ، وَبِوجْهِ مُحَمَّد حَبيبِكَ

پس از تو خواهم به حق نور ذاتت که خاموش نشود و به آبروی محمّد مصطفی حبیب تو

الْمُصْطَفى، وَبِوجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيِّ الْمُرْتَضى، وَبِحَقِّ اَوْلِيآئِكَ الَّذينَ

و به آبروى ولى تو على مرتضى و به حق اوليايت كه برگزيدى

انْتَجَبْتَهُمْ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد، وَاَنْ تَغْفِرَ لى ما مَضى مِنْ

آنها را كه درود فرستى بر محمّد و آل محمّد و بيامرزى برايم گذشته هاى از

ذُنُوبى، وَاَنْ تَعْصِمَنى فيما بَقِىَ مِنْ عُمْرى، وَاَعُوذُ بِكَ اللّهُمَّ اَنْ اَعُودَ فى

گناهانم را و نگاهم دارى در آينده عمرم و پناه مى برم به تو خدايا از اين كه بازگردم

شَىْء مِنْ مَعاصيكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنى، حَتّى تَتَوَفّانى وَاَنَا لَكَ مُطيعٌ، وَاَنْتَ

به يكى از گناهان و نافرمانيهايت هرگز تا زنده ام (يعنى) تا آنگاه كه مرا بميرانى و من فرمانبردار تو باشم و تو

عَنّى راض، وَاَنْ تَخْتِمَ لى عَمَلى بِاَحْسَنِهِ، وَتَجْعَلَ لى ثَوابَهُ الْجَنَّةَ، وَاَنْ

از من خشنود باشى و به انجام رسانى عمل مرا به نيكوترين آن و پاداش آن را برايم بهشت مقرّر دارى

تَفْعَلَ بى ما اَنْتَ اَهْلُهُ، يا اَهْلَ التَّقْوى وَيا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّد

و انجام دهى درباره من آنچه را تو شايسته آنى اى اهل تقوا و اى شايسته آمرزش درود فرست بر محمّد

وَ آلِ مُحَمَّد، وَارْحَمْنى بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.(7)

و آل محمّد و رحم كن به من به رحمت خويش اى مهربانترين مهربانان.

روز بیست و پنجم (روز نزول سوره هل أتی)

روزی است که سوره (هل اتی) در آن روز نازل شد.(1)

در شأن نزول این سوره جمع زیادی از علمای شیعه و سنّی نقل کرده اند که امام حسن و امام حسین(علیهما السلام)بیمار شدند و پیامبر(صلی الله علیه وآله) به عیادتشان آمد و به علی(علیه السلام) فرمود: چه خوب است برای شفای آنان نذری کنی.

حضرت علی(علیه السلام) و حضرت فاطمه(علیها السلام) و فضّه برای شفای آنان سه روز روزه نذر کردند.

وقتی که حسنین(علیهما السلام) شفا یافتند، آنان برای ادای نذر روزه گرفتند - و مطابق برخی از روایات حسنین(علیهما السلام) نیز روزه گرفتند ـ در حالی که از نظر موادّ غذایي در زحمت بودند. به هنگام افطار که مقداری نان را برای افطار آماده کرده بودند، صدای مسکینی را شنیدند که تقاضای كمك داشت. علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و فضّه و حسن و حسین(علیهما السلام) نان خود را به آن مسکین دادند و خود در آن شب جز آب ننوشیدند.

غروب فردا نیز به هنگام افطار یتیمی اظهار نیاز کرد و بار دیگر جریان شب گذشته تکرار شد و آنان با مقداری آب افطار کردند.

روز سوم نیز به هنگام غروب اسیری به در خانه آنان آمد و آن خانواده کرامت و بزرگواری و ایثار، از سهم نان خود گذشتند و آن را به اسیر دادند.

فردا علی(علیه السلام) دست حسن و حسین را گرفت و خدمت پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمد، چشم پیامبر به بچّه ها افتاد که از شدّت گرسنگی می لرزیدند;

علّت را جویا شد و علی(علیه السلام) ماجرا را تعریف کرد. پیامبر(صلی الله علیه وآله)ناراحت شد و با هم به منزل حضرت زهرا(علیها السلام) آمدند، در این حال جبرئیل فرود آمد و سوره هل أتی (انسان) را از جانب خداوند آورد. در این سوره از ایثار توأم با اخلاص اهل بیت(علیهم السلام) به عظمت و بزرگی زیاد یاد شده است.(2)

برای این روز اعمالی ذکر شده است:

1ـ مرحوم (سیّد بن طاووس) از (شیخ مفید) نقل می کند که مستحب است در چنین روزی روزه بگیرند، زیرا در چنین روزی خداوند فضیلت و برتری اهل بیت رسول خدا را آشکار ساخت.(3)

2ـ در شب بیست و پنجم و روز بیست و پنجم برای تأسّی به آن بزرگواران انفاق و اطعام و صدقه دادن به فقرا مناسب است.(4)

3ـ مناسب است در این روز غسل زیارت انجام دهند و ائمّه(علیهم السلام) را زیارت کنند مخصوصاً خواندن زیارت جامعه در این روز مناسب است.(5)

روز آخر ذی الحجّه

این روز، روز آخر سال اسلامی قمری است. لذا مرحوم (سیّدبن طاووس) نقل کرده است که در این روز، دو رکعت نماز می خوانی و در هر رکعت، یك مرتبه سوره (حمد) و ده مرتبه سوره(قل هو اللّه) و ده مرتبه (آیة الکرسی) را می خوانی و پس از نماز می گویی:

اَللّهُمَّ ما عَمِلْتُ فی هذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَل نَهَیْتَنی عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ،

خدایا آنچه انجام دادم در این سال از اعمالی که مرا از آن نهی فرمودی و راضی بدان نبودی

وَنَسیتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ، وَدَعَوْتَنی اِلَی التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرائی عَلَیْكَ، اَللّهُمَّ فَاِنّی

و من آن را فراموش کردم ولی تو فراموشش نکردی و مرا به بازگشت بسویت خواندی پس از دلیری کردنم بر تو خدایا من از آن

اَسْتَغْفِرُكَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لی، وَما عَمِلْتُ مِنْ عَمَل یُقَرِّبُنی اِلَیْكَ فَاقْبَلْهُ مِنّی،

اعمال آمرزش می طلبم پس بیامرز آنها را و هر عملی که انجام دادم از اعمالی که مرا به تو نزدیك گرداند پس آن را از من قبول کن

وَلا تَقْطَعْ رَجآئی مِنْكَ یاکَریمُ.

و قطع مکن امیدم را از خودت ای بزرگوار.

وقتی چنین کردی شیطان می گوید: وای بر من! هرچه در مدّت این سال زحمت کشیدم (و او را وسوسه کردم) با این عمل، همه را از بین برد و سالش را به خیر پایان داد!(1)
مناسب است همین عمل، در پایان سال شمسی (روز آخر اسفندماه) نیز به قصد استحباب مطلق انجام شود.

یا علی

اللهم عجل لولیک الفرج

تهیه کننده: **محمدعلی شرطان**